

مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری

کوروش گلکار

نشریه علمی - پژوهشی صفا، شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۸، ۱۳۷۹

"کیفیت" یکی از مفاهیم محوری دانش و حرفه و طراحی شهری بوده و طبیعتاً از اهمیت نظری و عملی فراوانی برخوردار است. گذشته از اهمیت نظری، به واسطه بحران کیفیت که در حال حاضر بیشتر محیط‌های شهری در ایران با آن مواجه‌اند، مبحث کیفیت از نظر عملی نیز به یکی از پرسش‌های جدی بدل گردیده است. بسیاری از مسئولین، دانشگاهیان و طراحان شهری حرفه‌ای به شکل فزاینده‌ای نگرانی خود را در مورد نبود طراحی شهری واجد کیفیت مطلوب در کشور ابراز نموده‌اند؛ با این وجود، به واسطه ماهیت چند پهلو و فرار مفهوم "کیفیت"، اتفاق نظر قابل ملاحظه‌ای در دیدگاه‌های مطرح شده به چشم نمی‌خورد. چنین به نظر می‌رسد که برای ایجاد فهم مشترک از مقوله "کیفیت طراحی شهری" به روشنگری و بسط نظری این مفهوم نیاز است.

هدف از این نوشتار، تحقیق در مورد مفهوم "کیفیت طراحی شهری"، تدوین یک چارچوب نظری جهت تبیین مفهوم مزبور و بازشناسی و معرفی مؤلفه‌های سازنده آن است. این نوشتار از پنج بخش عمده تشکیل می‌شود. نخست، مفهوم "کیفیت" از نقطه نظر ریشه‌شناسی واژه مورد بحث قرا می‌گیرد. سپس، این مفهوم از نظر "حالت وجودی" بررسی خواهد شد. آنگاه، مروری بر ادبیات مرتبط با موضوع طراحی شهری "خوب" و کیفیت‌های وابسته به آن ارائه خواهد شد. در ضمن، تعدادی از چک لیست‌های مورد استفاده عملی توسط هیأت‌های بازبینی طراحی شهری از نظر معیارهای به کارگرفته شده مورد بررسی قرار گرفته، نتایج گزارش می‌گردد. در نهایت، نتایج مطالعه حاضر به این ترتیب ارائه می‌شود:

- ۱- کیفیت طراحی شهری را می‌توان از طریق نسخه تکامل یافته مدل کانتر (۱۹۷۷) که توسط این نوشتار تحت عنوان "مدل مکان پایدار" ارائه گردیده به شکل مؤثری تبیین نمود؛
- ۲- کیفیت طراحی شهری متشکل از سه مؤلفه به نام‌های "کیفیت تجربی - زیبا شناختی"، "کیفیت عملکردی" و "کیفیت زیست محیطی" است.

پیشگفتار :

مبحث "کیفیت" در طراحی شهری، توأمأ از ابعاد "عملی" و "نظری" واجد اهمیتی قابل ملاحظه است. تجربه اجرای طرح‌های شهری در ایران، چه در بافت‌های موجود، که در قالب برنامه طرح‌های جامع صورت پذیرفته، و چه در بافت‌ها و توسعه‌های جدید، که در قالب برنامه‌هایی نظیر شهرهای جدید و پروژه‌های آماده‌سازی صورت گرفته، نشان داده است که برنامه‌های مزبور در خلق محیط‌های شهری واجد کیفیت مطلوب با توفیق چندانی روبرو نبوده‌اند.^۱ به بیان دیگر، مسأله و یا به عبارت دقیق‌تر "بحران کیفیت"، در شرایط کنونی یکی از چالش‌های عمده شهرهای ما و بالطبع یکی از دغدغه‌های اساسی تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران، مجریان و استفاده‌کنندگان محیط‌های شهری است. با توجه به اهمیت مسأله "کیفیت" به نظر می‌رسد چنانچه برنامه‌ها و مداخلات کالبدی در شهرها، همچون گذشته بدون توجه لازم به دانش طراحی شهری و بدون ملحوظ نمودن نظام‌مند آن در مراحل مختلف تصمیم‌گیری صورت پذیرد، هیچ‌گونه تضمینی برای دستیابی به محیط‌های دارای کیفیت طراحی شهری مطلوب وجود نخواهد داشت. "بحران کیفیت در شهرها"، بحث کیفیت مطلوب طراحی شهری را، در شرایط کنونی، به یکی از محورهای اصلی مباحثات مجامع و محافل حرفه‌ای و دانشگاهی تبدیل نموده است. با این حال، ماهیت چند پهلو و سرشت پیچیده مفهوم "کیفیت" و تلقی گوناگون افراد از آن باعث بروز نوعی پراکندگی و عدم انسجام در نقطه نظرات ارایه شده، گردیده است. این امر، لزوم "مفهوم‌سازی" عبارت "کیفیت طراحی شهری" را، به گونه‌ای که زمینه فهم مشترک در میان صاحب نظران و به تبع آن، زمینه بهره برداری مؤثرتر از آراء و تجارب آنان را فراهم آورد، مطرح می‌نماید.

در کنار بعد "عملی"، مسأله "کیفیت طراحی شهری" از بعد "نظری" نیز واجد اهمیت محوری است. معمولاً مباحث طراحی شهری به دو دسته "ماهوی" و "رویه‌ای" طبقه‌بندی می‌شوند. در طبقه‌بندی مزبور مباحث ماهوی بر مباحث رویه‌ای تقدم راهبردی دارند. به عبارت دیگر، مادامی که پرسش‌های ماهوی (نظیر این که "کیفیت مطلوب طراحی شهری" چیست؟ عناصر سازنده کیفیت طراحی شهری کدامند؟ عنصر کالبدی و بصری چه نقش و سهمی در کیفیت طراحی شهری دارد؟ آیا معنی محیط در کیفیت طراحی شهری مؤثر است؟ و ...) پاسخ داده نشوند، نمی‌توان به بحث‌های رویه‌ای (نظیر چگونگی فرایند تهیه طرح و تدوین نظام کنترل و هدایت) پرداخت. به بیان روشن‌تر تا زمانی که ندانیم در جستجوی چه چیزی هستیم (کیفیت فرآورده)، طبیعتاً قادر به یافتن راه دستیابی (فرآیند مطلوب) به آن نیز نخواهیم بود.

^۱ میزگرد طراحی شهری در شهرهای جدید ۱۳۷۸، ص ۳۱-۴۰.

گرچه پژوهشگران علوم اجتماعی در مورد اغراق در نقش کیفیت کالبدی شهر در کیفیت زندگی شهروندان هشدارهای لازم را داده اند،^۱ با این حال نمی توان از سهم واقعی کیفیت کالبدی محیط در این امر غفلت نمود. رابطه متقابل و تأثیر "کیفیت طراحی شهری" بر "کیفیت زندگی" ساکنین شهرها توسط کوین لینچ مورد تأکید واقع شده است. وی می گوید: "اگر بناست طراحی شهری مفید واقع گردد باید قادر باشد تا از راه اعتلاء "کیفیت محیط کالبدی" به اعتلاء "کیفیت زندگی" انسان یاری نماید."^۲

هدف از مطالعه حاضر، ارائه یک چارچوب نظری منسجم برای تعیین فهم و تبیین مفهوم "کیفیت طراحی شهری" و مؤلفه‌های سازنده آن است. بی‌گمان، فراهم آوردن چنین چارچوبی نه تنها به ایجاد فهم مشترک از مقوله کیفیت طراحی شهری کمک می‌رساند، همچنین می‌تواند در ارتقاء سطح مباحثات عملی در این خصوص مؤثر باشد؛ به ویژه این که در شرایط کنونی به واسطه ابهام و پیچیدگی مفهوم مزبور (به‌گونه‌ای که بعضاً از آن با اصطلاح "کیفیت بدون نام" یاد کرده‌اند)،^۳ جهت جمع بندی مؤثر از تلاش‌های تحقیقاتی ارزشمندی که در این زمینه به عمل آمده است، تدوین چنین چارچوبی را می‌توان یک الزام نظری تلقی نمود.

برای انجام این هدف، ابتدا واژه کیفیت به لحاظ "ریشه‌شناسی واژه" در زبان‌های فارسی و خارجی بررسی شده است، سپس کیفیت طراحی شهری از نظر "حالت وجودی" آن مورد مطالعه قرار گرفته است؛ آنگاه "مروری بر ادبیات تخصصی" مرتبط با موضوع به عمل آورده‌ایم. در چارچوب مرور ادبیات موضوع، ابتدا کیفیت‌های طراحی شهری خوب از دیدگاه نظری، به آن گونه که مورد توصیه صاحب نظران بوده است بحث گردیده، و سپس چنین کیفیت‌هایی را در تجارب عملی کشورها (انگلستان و آمریکا) جستجو نموده‌ایم. سپس به منظور تدوین یک چارچوب نظری برای تبیین مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری مدل‌های گوناگون مورد بررسی انتقادی قرار گرفته و مدلی تحت عنوان "مدل مکان پایدار" توصیه گردیده است. نهایتاً این نوشتار براساس "مدل مکان پایدار" با ارائه مؤلفه‌های سه‌گانه سازنده کیفیت طراحی شهری (عملکردی، زیست محیطی، تجربی-زیبا شناختی) جمع بندی شده؛ و همچنین، جهت آزمون جامعیت مدل پیشنهادی، از مدل مزبور برای طبقه‌بندی نقطه نظرات تعداد قابل توجهی از نظریه پردازان استفاده به عمل آمده و نتیجه سنجش مورد بحث قرار گرفته است.

¹ Zehner, "Indicators of the Quality of Life in New Communities, 1977, P. 15,25,135

² ر.ک. به گلکار، کورش: "کندوکاوی در تعریف طراحی شهری"، ۱۳۷۸، ص ۴۳.

³ Alexander, "The Timeless Way of Building", 1979, P.7.

۱- تعریف "کیفیت"

"کیفیت" واژه‌ای است که در تمامی رشته‌های هنری، عملی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهنی) درک و به صورت مستمر در چارچوب گفتمان حوزه‌های مزبور به کار برده می‌شود. با این وجود، تلاش برای درک کامل معنای این واژه تلاشی ساده و آسان نیست. دشواری این امر نه به واسطه معنای شهودی واژه (که به سادگی قابل وصف است) بلکه از سرشت متکثر و چندگانه آن سرچشمه می‌گیرد. "کیفیت" مفهومی دو وجهی است، یعنی مفهومی است "روشن و واضح"، ولی در عین حال "چند پهلو" مفهومی است "قابل فهم" ولی در عین حال "فرار" که به راحتی تن به تعریف شدن نمی‌دهد. به عبارت دیگر هنگامی که این واژه در مورد کیفیت‌های ملموس همچنین سختی، نرمی، سرعت و غیره به کار گرفته می‌شود مفهومی روشن و قابل فهم دارد؛ لیکن زمانی که در مورد کیفیت‌های غیر ملموسی نظیر زیبایی، شکوه، تأثیرگذار و غیره استفاده می‌شود، به مفهومی فرار و چند پهلو مبدل می‌گردد. گستردگی ابعاد و جوانب هردو حالت مورد اشاره باعث گردیده است که "مفهوم کیفیت" به مفهوم نسبی که واجد معنایی فراتر و متفاوت با معنای بدیهی و معمول آن است، تبدیل شود.

کیفیت در حالت عادی و به معنای کاملاً واضح برای وصف "درجه کمال" (a degree of excellence) اشیاء و پدیده‌ها به کار برده می‌شود. با این حال تعیین نمودن این که چه چیزها و چه خصوصیات واقعی بیانگر "درجه کمال" یک شیئی هستند امری دشوار است. دشواری این امر، یعنی تدوین ابزاری برای اندازه‌گیری و ارزیابی جهت کاربرد توسط همه افراد، نه صرفاً به خاطر تفاوت خصوصیات اشیاء، همچنین به واسطه سرشت نظری و ذهنی برخی کیفیت‌ها نظیر "زیبایی" است؛ چرا که افراد انگاره‌ها و نظام‌های ارزشی متفاوتی را به طور آگاهانه یا ناخودآگاهانه برای ارزیابی خصوصیات اشیاء به کار می‌گیرند.

معنای لغوی واژه "کیفیت" در فرهنگ زبان فارسی "عمید"، "چگونگی، چونی، صفت و حالت چیزی" عنوان گردیده است.^۱ واژه فارسی "کیفیت" به لحاظ ریشه شناسی واژه (etymology) از واژه عربی "کیفیه"، که "اسم" است، مشتق شده است. در این قسمت لازم است که به معنای واژه "کیفیت" در زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های هم‌ریشه آن نیز اشاره‌ای داشت، چرا که عمدتاً مفهوم "کیفیت" در ابعاد حرفه‌ای آن در وهله نخست از طریق ادبیات تخصصی رشته طراحی شهری به زبان انگلیسی وارد گفتمان این رشته در ایران شده است. از نظر لغوی واژه "کیفیت" (quality) در زبان انگلیسی به "ماهیت"، نوع،

^۱ عمید، حسن: "فرهنگ فارسی عمید"، ۱۳۶۳، ص ۱۰۲۷.

یا خصوصیت یک شیئی اشاره می‌کند. این واژه از لغت‌های لاتین "کوآلیتاس" (qualitas) و "کوآلیتاتیس" (qualitatis) به معنی "از یک نوع" واژه فرانسوی "کالیته" (qualite) مشتق شده است.^۱ واژه "کیفیت" در زبان انگلیسی به معنای "چیزی که یک شخص، یک شیئی، و یا یک فکر داشته و موجب خاص و جالب شدن آن‌ها می‌گردد."^۲ فرهنگ انگلیسی "اکسفورد" نیز در ذیل واژه "کیفیت" چهار معنا به ترتیب زیر ارائه می‌نماید:

۱- درجه خوبی و ارزش چیزها،

۲- خوبی و کمال به مفهوم عام،

۳- صفات و خصوصیات، و

۴- جنبه ویژه و علایم ممیزه.^۳

در حالی که واژه "کیفیت" از نظر دستوری در زبان فارسی صرفاً در نقش "اسم" ظاهر می‌شود، این واژه در زبان انگلیسی بعضاً در نقش "صفت"، (مثلاً "a quality urban design" به مفهوم "طراحی شهری با کیفیت خوب") و گاهی اوقات در نقش "اسم ترکیبی"، (مثلاً "an urban design of quality" به مفهوم "طراحی شهری با کیفیت یا خوب") به کار می‌رود. واژه "کیفیت" بعضی اوقات به عنوان متضاد واژه "کمیت"، (quantity) به کار گرفته می‌شود، که در این حالت برخلاف مفهوم کمیت که به خصوصیتی "فیزیکی" ارجاع دارد، به خصوصیتی "غیر ملموس" اشاره می‌نماید. مراد از واژه "کیفیت"، هنگامی که به عنوان "درجه و میزان خوبی" یک شیئی به کار می‌رود این است که درجه خوبی آن شیئی "زیاد" است. به عبارت دیگر واژه "کیفیت" در زبان انگلیسی چنانچه بدون قید و اضافات به کار رود، به مفهوم "کیفیت خوب" است. لذا "کیفیت" یک شیئی از این نظر به "درجه و میزانی که یک شیئی از شیئی دیگر بهتر است" اشاره دارد.

به نظر می‌رسد با توجه به مروری که بر معنی لغوی واژه "کیفیت" داشتیم، بتوان کیفیت یک شیئی را به این گونه تعریف نمود: "مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص که باعث متمایز کردن یک شیئی از اشیاء دیگر شده، ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیزی دیگر قضاوت و حکم نماییم، و از نظر زیبا شناختی در مورد زیبا یا زشت بودن، خوب یا بد بودن، و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نماییم."^۴

¹ Billings, Quality in Design, 1993, P.1.

² Longman Lexicon of Contemporary English 1981, P. 680.

³ Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English 1989, P. 1023.

⁴ Billings Quality in Design, 1993, P.2.

۲- حالت وجودی کیفیت طراحی شهری

یکی از پرسش‌های اساسی در بحث "کیفیت"، مسأله حالت وجودی (mode of existence) آن است. به عبارت دیگر هنگامی که گفته می‌شود شیئی معینی دارای کیفیت خاصی است (نظیر یک خیابان زیبا)، آیا به این مفهوم است که این خود شیئی است که مالک کیفیت مزبور است؟ و چنانچه این گونه است، "حالت واقعی" (mode of reality) چنین کیفیتی چیست؟ یا این که منظور این است که این "ما" هستیم که کیفیت زیبایی را به آن خیابان اعطاء و فرافکنی (project) می‌کنیم؟ یا این که منظور این است که کیفیت زیبایی زمانی امکان تجلی و وجود می‌یابد که ما خیابان را مورد مشاهده قرار داده باشیم؟ بحث فوق این پرسش را که چگونه و در کجا چنین کیفیت‌هایی وجود دارند؟ طرح می‌نماید. پاسخ این پرسش، یعنی این که آیا کیفیت‌های زیباشناختی در ذهن ادراک کننده (perceiver's mind) و یا در شیئی ادراک شده (perceived object) وجود دارد را می‌توان در قالب دوگانگی (duality) مشهور "سوژه" و "اُبژه" (subject-object) یا "فاعل شناسایی" و "شیئی شناسایی شده" صورت‌بندی نمود. از این رو گفته می‌شود کیفیت یک شیئی از دو منبع یا دو عرصه سرچشمه می‌گیرد:

۱- عرصه "ذهنی" فرد، و

۲- عرصه "عینی" شیئی.

بر اساس این نظریه، کیفیت‌هایی که متعلق به "عرصه ذهنی" هستند، کیفیت‌هایی به شمار می‌روند که درون "ضمیر" (ego) فرد ساکن هستند. متقابلاً، کیفیت‌هایی مرتبط با "عرصه عین" کیفیت‌های متعلق به شیئی هست که به شکل "موجودیتی خارجی" در معرض ذهن قرار گرفته و با حقایق جهان خارج سروکار دارند. "کیفیت‌های ضمیری" (ego-related qualities) را می‌توان به عنوان "ارزش‌هایی" که به دشواری قابل کمی شدن بوده و به سختی می‌توان آنها را اندازه‌گیری نمود معرفی کرد. کیفیت‌های مرتبط با بیان مطلوب یا نامطلوب و زشت و زیبا بودن اشیاء معمولاً از این دسته هستند. برخلاف کیفیت‌های ضمیری، "کیفیت‌های حقیقی" (fact-related qualities) اشیاء را می‌توان به عنوان کیفیاتی که ماهیتی قابل اندازه‌گیری دارند، و به ظرفیت‌های قابل سنجشی نظیر وزن، ارتفاع و سرعت ارتباط دارند، معرفی نمود.

ارزش‌های ذهنی-روانی یک شیئی که از آنها به عنوان "کیفیت‌های مطلوبیت" (qualities of desirability) شیئی نام می‌برند (نظیر زیبایی) از "فرد" نشأت می‌گیرد؛ در حالی که مقیاس‌های اندازه‌گیری عینی اشیاء که از آن به عنوان "کیفیت‌های ظرفیتی" (qualities of capacity) نام می‌برند، از خود شیئی سرچشمه می‌گیرد. از این رو در مورد کیفیت یک شیئی می‌توان گفت:

"کیفیت یک شیئی درجه و میزان برتری، مشابهت یا فروتری آن نسبت به اشیاء دیگر است که توسط انسان از طریق ذهنی و عینی به عنوان مجموعه ویژگی‌های آن شیئی درک و محسوب می‌گردد. کیفیت یک شیئی از دو منبع "ضمیر" (ego) فرد و خود "شیئی" (object) نشأت می‌یابد که به ترتیب آنها را "ارزش" (value) و "مقیاس اندازه‌گیری" (measure) نامیده، بیانگر دو گروه "کیفیت‌های مطلوبیتی" (qualities of desirability) و "کیفیت‌های ظرفیتی" (qualities of capacity) اشیاء هستند."¹

حال، پس از طرح مقدمات فوق، می‌توان نظریات سه‌گانه موجود در زمینه حالت وجودی کیفیت طراحی شهری را به شرح زیر معرفی نمود:

الف- تلقی "کیفیت طراحی شهری" به مثابه کیفیت و صفتی که ذاتی محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد: بسیاری از طراحان شهری نو-خردگرا را می‌توان از جمله طرفداران این نظریه دانست. آنان کیفیت طراحی شهری را ماهیتی متعلق به محیط و به طور مشخص متعلق به "فرم" می‌دانند. برای مثال، "آلدو روسی" در کتاب "معماری شهر" بر اصالت فرم‌ها و نقش تعیین‌کننده آنها در خلق کیفیت‌های محیطی (مستقل از عملکرد آنها) می‌پردازد.² آلدو روسی بررسی و مطالعه کیفیت‌های محیطی را از طریق کندوکاو در محتویات ذهنی-روانی ادراک‌کنندگان فضا و استفاده از علوم رفتاری (نظیر روانشناسی) را در کشف کیفیت‌های طراحی شهری شدیداً مورد انتقاد قرار داده و بر این باور است که اساساً چنین علومی قادر نیستند اطلاعات با اهمیتی را به "دانش طراحی فرم‌ها" اضافه نمایند.³ از نظر وی، برخی از "فرم‌ها" به شکل ذاتی واجد کیفیت‌هایی هستند که "بی‌زمان" (timeless) بوده و قادرند با پذیرفتن عملکردهای گوناگون در عصرهای مختلف تداوم تاریخی یابند. براساس چنین دیدگاهی "کیفیت طراحی شهری" کیفیتی است که به نحو جبری از محیط و به طور مشخص از فرم محیط نشأت می‌گیرد ("جبریت محیطی" environmental determinism) از جمله صاحب نظرانی که کیفیت طراحی شهری و معماری را تابعی از کیفیت "الگو" (pattern)‌های محیط می‌دانند، به "کریستوفر الکساندر" باید اشاره نمود. گرچه الکساندر نظریات مفصلی در مورد طراحی شهری عنوان و راهکارهای مشخصی را برای اعتلاء کیفیت محیطی پیشنهاد و تجویز می‌نماید، با این حال وی اساساً ارائه تعریف از "کیفیت طراحی شهری" را ممکن نمی‌داند! الکساندر برای اشاره به چنین کیفیتی، به گفته او "ریشه و بنیان هر شهر مطلوبی بوده، به آن سرزندگی،

¹ Billings Quality in Design, 1993, P2.

² Eisenman, Introduction to "Architecture of the City" 1982, P. 6.

³ Rossi, "Architecture of the city" 1982, P.114.

کلیت و راحتی می بخشد"، از اصطلاح "کیفیت بدون نام (quality without a name) استفاده می کند، چرا که اعتقاد دارد چنین کیفیتی را نمی توان تعریف و نامگذاری نمود.^۱ باید توجه داشت که علیرغم مشابهت لفظی برخی نظریات کریستوفر الکساندر یا آلدو روسی، نظیر ارزش بی زمان فرم‌ها یا الگوها، این دو متعلق به دو نحله فکری کاملاً متفاوت طراحی شهری هستند.^۲

ب- تلقی "کیفیت طراحی شهری" به مشابه مقوله‌ای کاملاً ذهنی و سلیقه‌ای که توسط ناظر ساخته شده و هیچ‌گونه ربطی با ساختار و خصوصیات کالبدی ندارد: نظریه پردازان شهری دهه ۱۹۶۰ را، که عمدتاً از خارج از انطباط‌های معماری و طراحی شهری به مسایل و معضلات شهری می‌پرداختند می‌توان در این گروه طبقه بندی نمود. (امکان گرایی محیطی environmental possibilism)

ج- تلقی "کیفیت طراحی شهری" به مثابه "پایدار" (phenomenon) یا "رویداد" (event)ی که در جریان داد و ستدی (transaction) میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها و رمزهای فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می‌گیرد: نظریه پردازان تجربه‌گرای طراحی شهری همچون "لینچ"، "اپلیارد"، "لنگ" و "نسر" را می‌توان مهم‌ترین حامیان اینگونه تلقی از مفهوم کیفیت طراحی شهری دانست. بنابر تعریف ارائه شده توسط "جک نسر": کیفیت طراحی شهری به عنوان یک مفهوم، از طریق به عرضه گذاشته شدن خصوصیات محسوس از طرف محیط کالبدی از یک سو و مورد ادراک، شناخت و ارزیابی قرار گرفته شدن آنها توسط ناظر از سوی دیگر خلق می‌شود.^۳

۳- مرور ادبیات موضوع

ادبیات موجود در مورد کیفیت طراحی شهری و مؤلفه‌های سازنده آن را می‌توان در دو بخش "جریان نظری" و "جریان عملی - کاربردی" طبقه‌بندی کرد و مورد بررسی قرارداد. به عبارت دیگر، نخست می‌توان به مفهوم و مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری از دیدگاه تئوری‌های مختلف پرداخت و سپس در بخش دوم به گزارش‌هایی که به شیوه عمل هیئت‌های بازبینی پروژه‌های طراحی شهری در شهرداری‌ها و ادارات شهرسازی برخی کشورها و به ویژه چک لیست کنترل کیفیت طراحی شهری آن‌ها اشاره نموده‌اند، پرداخت.

^۱ Alexander, "The Timeless Way of Building", 1979, P.7.

^۲ برای اطلاعات بیشتر در مورد اختلاف نظری الکساندر و روسی ر.ک. به گلکار، تئوری‌های طراحی شهری: تحلیل گونه‌شناختی تئوری‌ها، ۱۳۷۸

^۳ Nasar, "Urban Design Aesthetics", 1994, P. 377.

۳-۱- کیفیت‌های طراحی شهری "خوب" از دیدگاه نظری

مرور تئوری‌های مختلف طراحی شهری مشابهت‌ها و تفاوت‌های برداشت از کیفیت طراحی شهری و معیارهای کلیدی را که نظریه‌پردازان برای تأمین یک طراحی شهری "خوب" ارائه داده‌اند، آشکار می‌سازد. در این قسمت تعدادی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در این زمینه به ترتیب زمان انتشارشان به نحو مختصر مورد اشاره قرار می‌گیرند تا مواد اولیه مورد نیاز جهت بازشناسی مؤلفه‌های اصلی کیفیت طراحی شهری در بخش نتیجه‌گیری این نوشتار فراهم آید.

"جین جیکوبز" در سال ۱۹۶۱ میلادی با انتشار کتاب کلاسیک خود تحت عنوان "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" به عنوان یک جامعه‌شناس به تحلیل و اظهار نظر در مورد تأثیر خصوصیات کالبدی محیط شهری و به‌ویژه خیابان‌ها در تسهیل و یا ممانعت از مراودات اجتماعی و سرزندگی و امنیت شهری می‌پردازد. از نظر جیکوبز مهم‌ترین معیارهای یک طراحی شهری "خوب" عبارتند از:

- ۱- ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط؛
- ۲- استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سبب‌های مختلف در یک ناحیه؛
- ۳- توجه به عنصر "خیابان"؛
- ۴- نفوذپذیر بودن (قابل دسترس بودن) بافت که به مفهوم پیشنهاد استفاده از بلوک‌های کوچک‌تر شهری است؛
- ۵- اختلاط اجتماعی؛ و انعطاف‌پذیر بودن فضاها.^۱

"کوین لینچ" با انتشار تئوری شکل خوب شهر در سال ۱۹۸۱ میلادی حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقاء کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار و دو فوق معیار زیر اعلان می‌دارد:

- ۱- "سرزندگی": به مفهوم امکان بقای زیست‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان در محیط شهر؛
- ۲- "معنی" (حس): به مفهوم نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان‌های شهری؛
- ۳- "سازگاری": به مفهوم انطباق فرم شهری با فعالیت‌های گوناگون و مدارهای رفتاری؛
- ۴- دسترسی: به مفهوم سهولت "نفوذ فیزیکی" به بخش‌های مختلف بافت شهری؛ و
- ۵- "کنترل و نظارت": به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همگانی شهر، کوین لینچ، همچنین دو فوق معیار را جهت تنظیم روابط میان معیارهای پنج‌گانه فوق پیشنهاد می‌نماید. از نظر وی در تجویز اقدامات و مداخلات

¹ Jacobs, "The Death and Life of Great American Cities", 1961

طراحی شهری براساس هریک از معیارهای فوق (مثلاً تأمین دسترسی) می‌باید همواره دو سؤال اصلی مد نظر قرار گیرد: ۱- آیا اقدام پیشنهادی با توجه به هزینه خود واجد کارآئی لازم است؟ (فوق معیار "کارآئی") ، و ۲- آیا هزینه اقدام مزبور از جیب کدام بخش از ساکنین یا طبقه اجتماعی پرداخت خواهد شد؟ (فوق معیار "عدالت").^۱

از دیگر صاحب نظرانی که در خصوص کیفیات مطلوب طراحی شهری ، به ویژه از منظر مقیاس خرد فضایی پیشنهاداتی ارائه نموده است، باید به "ویولیچ" اشاره کرد. وی طی مقاله‌ای تحت عنوان "قرائت شهری و طراحی مکان‌های شهری کوچک" در سال ۱۹۸۳ میلادی، کیفیات مطلوبی که در طراحی شهری می‌بایست هدف‌گیری گردد را به این ترتیب فهرست می‌کند:

- ۱- قرائت پذیری "محیط" (Readability)؛
- ۲- "آزادی انتخاب"؛
- ۳- ایجاد انگیزش از طریق کاربرد "فرم‌های شهری متباین"؛
- ۴- امکان "زندگی اجتماعی" در مقابل زندگی خصوصی؛
- ۵- به گوش رسیدن "آوای گذشته" به مفهوم قابل قرائت بودن میراث‌های فرهنگی؛
- ۶- لحاظ نمودن "پیوندهای بومی - منطقه‌ای" در قالب طرح‌ها.^۲

یکی از مشهورترین مجموعه کیفیتهای طراحی شهری که توسط اهل فن ارائه شده است ، مجموعه پیشنهادی گروه مطالعاتی "مرکز مشترک طراحی شهری پلی تکنیک اکسفورد" است. مجموعه مزبور که توسط "یان بنتلی" و همکارانش در کتابی تحت عنوان "محیط‌های پاسخده" (Responsive Environments)^۳ تدوین و ارائه گردیده است، گرچه از عمق تئوریک قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیست، لیکن به واسطه جامعیت نسبی و سهولت فهم و شیوه جذاب در ارائه و تصویرپردازی به یکی از مراجع مهم مورد استفاده محافل حرفه‌ای (و نه الزاماً آکادمیک) بدل شده است. پس از کنار گذاشتن کیفیتهای مرتبط با "عملکرد و کارآئی" و همچنین مسائل فنی همچون "تنظیم شرایط محیطی" ، "یان بنتلی" و همکارانش به طور مشخص به کیفیتهایی که تا آن زمان کمتر مدنظر محققین قرار گرفته بود اشاره و در وهله نخست هفت معیار را که می‌باید در طراحی شهری رعایت گردند را به این ترتیب پیشنهاد می‌نمایند:

^۱ Lynch, "A Theory of Good City Form", 1981

همچنین ر.ک. به برگردان فارسی کتاب مزبور تحت عنوان "تئوری شک خوب شهر"، ترجمه حسین بحرینی، ۱۳۷۶.

^۲ Violich, "Urban Reading and the Design of Small Urban Places", 1983, pp.41-62

^۳ واژه پاسخده به‌عنوان معادل فارسی واژه "Responsive" با استفاده از منبع زیر برگزیده شده است: باطنی، محمدرضا و همکاران واژه‌نامه روانشناسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶، ص ۱۴۳.

- ۱- "نفوذپذیری": به مفهوم تأمین دسترسی (ارتباط فیزیکی) و ارتباط بصری با نقاط مختلف؛
 - ۲- "تنوع": به مفهوم حضور تنوع عملکردی، تنوع فرم‌ها و تنوع اشخاص و گروه‌های اجتماعی در مکان‌های شهری؛
 - ۳- "خوانایی": به مفهوم قابلیت قرائت سهل محیط و راهیابی آسان به نقاط و نشانی‌های مورد نظر؛
 - ۴- "انعطاف پذیری": به مفهوم توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و مأوا دادن فعالیت‌های گوناگون درخود؛
 - ۵- "سازگاری بصری": به مفهوم متناسب بودن خصوصیت بصری محیط با عملکرد و معنی محیط مزبور؛
 - ۶- "غنا": به مفهوم توجه به ظرافت و ریزه‌کاری در محرک‌های حسی مختلف (و نه صرفاً محرک‌های بصری)؛
 - ۷- "قابلیت شخصی سازی": به این مفهوم که ساکنین و شهروندان قادر باشند به طریقی "مهر خود را بر فضای شهر بزنند" و به گونه‌ای آن را متعلق به خود و شخصی نمایند.^۱
- مجموعه کیفیت‌های پیشنهادی "محیط‌های پاسخده" به واسطه برخی نارسایی‌ها از همان زمان انتشار با انتقادات قابل ملاحظه‌ای روبرو گردید. انتقادات وارده که از یک سو به ضعف‌های نظری مجموعه معیارها، و از سوی دیگر به عدم لحاظ برخی کیفیت‌های مهم شهری در مجموعه فوق اشاره می‌کرد، نهایتاً مؤلف اصلی کتاب مزبور یعنی "یان بنتلی" را واداشت تا در سال ۱۹۹۰ به انتقادات وارده پرداخته، نارسایی‌های نهفته در "محیط‌های پاسخده" را به گونه‌ای مرتفع سازد. وی در مقاله کوتاهی تحت عنوان "طراحی شهری اکولوژیک" سه معیار جدید را به عنوان مکمل معیارهای هفت گانه قبلی به ترتیب زیر ارائه می‌نماید:

۱- کارایی از نظر مصرف انرژی؛

۲- پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی‌های هوا و)

۳- حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکو سیستم‌ها).^۲

در میان صاحب نظرانی که دستورات عمل‌های ویژه و شخصی را جهت ارتقاء کیفیت محیط شهری ارائه نموده‌اند بی‌گمان "راجر ترانیک" از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وی با انتشار کتاب "یافتن فضای گمشده" در سال ۱۹۸۶ عملاً مسأله محوری طراحی شهری را که همانا عزیمت از

¹ Bentley, I. et al. " Responsive Environments", 1985

² Bentley, "Ecological Urban Design", 1990, p.69-71.

طراحی فضاهای بی‌شکل، تصادفی و باقیمانده به سوی طراحی "مکان‌های مثبت و با معنا" است، در دستور کار قرار می‌دهد.

وی برای فایق آمدن بر مشکل طراحی شهری به طور عام ضرورت استفاده یکپارچه و تلفیق سه تئوری "ارتباط، شکل - زمینه، و مکان" را ضروری می‌داند، و برای فایق آمدن بر معضل فضاهای گمشده شهری به طور خاص توجه به پنج کیفیت را ضروری می‌داند:

۱- حفظ تسلسل حرکتها (ایجاد ارتباط)؛

۲- محصوریت فضاها؛

۳- پیوستگی لبه‌ها؛

۴- کنترل محورها و پرسپکتیوها؛

۵- ممزوج نمودن فضاهای درون و بیرون.^۱

"کولمن" در مقاله "فرصتهایی برای نوآوری در آموزش طراحی شهری" خود که به سال ۱۹۸۷ انتشار یافت به مجموعه‌ای از کیفیت‌های مهم که هر طراحی شهری موفق ناگزیر از توجه به آنها است، اشاره دارد. وی چنین کیفیت‌هایی را در قالب شش محور به ترتیب مقابل صورت‌بندی نموده است:

۱- حفاظت تاریخی و مرمت شهری؛

۲- طراحی برای پیاده‌ها؛

۳- سرزندگی و تنوع استفاده؛

۴- بستر و محیط فرهنگی؛

۵- بستر و محیط طبیعی؛

۶- توجه به ارزش‌های معمارانه محیط.^۲

از جمله مجموعه کیفیت‌های طراحی شهری مورد اشاره صاحب نظران، ضروری است که به مجموعه پیشنهادی "آلن جیکوبز" و "داندل اپلارد" که به صورت یک بیانیه یا مانیفست ارائه شده است، توجه نمود. آنها در سال ۱۹۸۷ با انتشار مقاله‌ای در ژورنال انجمن شهرسازان آمریکا تحت عنوان "به سوی یک بیانیه (مانیفست) طراحی شهری" سعی در ترویج مجموعه کیفیت‌هایی نمودند که به طور خلاصه می‌توان به ترتیب مقابل آنها را فهرست نمود:

۱- سرزندگی؛

۲- هویت و کنترل؛

۳- دسترسی به فرصت‌ها، تخیل و شادی؛

¹ Trancik, R. "Finding Lost Space", 1986

² Coleman, "Opportunities for Invation in Urban Design Education", 1987, P. 28-31

۴- اصالت و معنا؛

۵- زندگی اجتماعی و همگانی؛

۶- خوداتکایی شهری؛ و

۷- محیطی برای همه؛^۱

یکی از ویژگی‌های طراحی شهری این است که برخلاف هنرهای دیگر (البته چنانچه بتوان آن را با اندکی مسامحه در ردیف هنرهای دیگر تلقی نمود) مخاطبین وسیع و گسترده‌ای دارد. در واقع کلیه افرادی که در شهر زندگی می‌کنند مخاطب هنر و دانش طراحی شهری هستند. از این رو شاهد هستیم که همگان، حتی فاقدین تحصیلات تخصصی طراحی شهری، به نحو طبیعی در قبال مسایل شهری واکنش نشان داده و ارزیابی خود را بیان می‌نمایند. با این حال، گاهی اوقات افراد خاصی که از خارج از انضباط طراحی شهری به ارائه نظریات و پیشنهاداتی پرداخته‌اند، نه به واسطه ارزش تکنیکی آن پیشنهادات، بلکه به واسطه انعکاس وسیع و بحث‌انگیز آن در جامعه و دامن‌زدن به مناقشات نظری میان اهل فن اهمیت و جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. پرنس چارلز، ولیعهد بریتانیا را می‌توان در زمره چنین افرادی دانست. وی در سال ۱۹۸۹ با انتشار کتاب "چشم‌اندازی از بریتانیا" به بیان دیدگاه، نظریات و سلايق شخصی خود در خصوص جامعه بریتانیا، و به ویژه رویکرد جامعه به سنت‌ها و ارزش‌های کهن می‌پردازد. اهمیت اجتماعی شخصیت چارلز و انعکاس خبری وسیع نظریات او در محافل بریتانیا، تعداد قابل توجهی از معماران، طراحان شهری و برنامه‌ریزان شهری را ترغیب به همراهی و یا پاسخگویی به پیشنهادات وی نمود. به عنوان دو نمونه از آنان می‌توان به مقالاتی که "فرانسیس تیبالدز" و "جان پانتر" در استقبال از نظریات چارلز و تکمیل آن نوشته‌اند (که در این نوشتار به طور مختصر به آن‌ها نیز اشاره‌ای خواهد گردید) ارجاع داد. به طور خلاصه پیشنهادات پرنس چارلز، که در قالب تلمیح متواضعانه‌ای از "ده فرمان" (Ten Commandments) و به صورت ده گزاره دستوری ارائه شده بود، کیفیت‌هایی را که در طراحی محیط می‌باید مورد توجه قرار گیرند به این گونه صورت‌بندی می‌نماید:

۱- مکان؛

۲- سلسه مراتب؛

۳- مقیاس؛

۴- موزونیت (هارمونی)؛

۵- محصوریت؛

۶- مواد و مصالح؛

¹ Jacobs & Apple yard, "Toward an Urban Design Manifesto", 1987, P.112-120

۷- تزینات (دکوراسیون)؛

۸- هنر؛

۹- نشانه‌ها ، علائم و چراغ‌ها

۱۰- توجه به جامعه محلی.^۱

مسئله با توجه به اینکه چارلز معمار و یا طراح شهر نیست، لذا حضور عناصر کاملاً نامتجانس را در فهرست وی که مقیاس‌ها و ماهیت‌های ناهمگنی دارند، می‌توان تا حدودی موجه دانست. با این حال همان گونه که ذکر شد، از آنجا که شماری از طراحان شهری در مقام واکنش به پیشنهادات "چارلز" در همان قالب "ده فرمان" به ارائه طریق پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد که در کنار نقش مثبتی که طرح نظریات چارلز از طریق جلب افکار عمومی به مباحث طراحی شهری ایفا نمود، به طور ناخواسته به تحمیل مقداری بحث‌های عامیانه و انفعالی برگزیده طراحان شهری، لاقلاً در دوره زمانی محدودی نیز دامن زده باشد.

"مایکل ساوت ورث"، یکی از دانش‌آموختگان برجسته مکتب طراحی شهری لینچ، در چارچوب بازبینی تعدادی از برنامه‌های طراحی شهری آمریکا (که متعاقباً در این نوشتار با جزییات بیشتری مورد بحث قرار خواهد گرفت) کیفیت‌های طراحی شهری را در قالب هفت مؤلفه، در مقاله‌ای تحت عنوان "تئوری و عمل طراحی شهری معاصر"، به این شرح جمع‌بندی می‌نماید:

۱- ساختار؛

۲- خوانایی؛

۳- فرم؛

۴- حس مکان؛

۵- هویت؛

۶- دیدها و مناظر؛ و

۷- مقیاس انسانی یا پیاده.^۲

یکی از صاحب‌نظران برجسته طراحی شهری که مجموعه معیارهایی را جهت دست یافتن به کیفیت مطلوب محیطی ارائه نموده است، مرحوم "فرانسیس تیبالدز" است. "تیبالدز" رئیس سابق انجمن سلطنتی شهرسازان بریتانیا و رئیس سابق "گروه طراحی شهری"، ناشر ژورنال "فصل‌نامه طراحی شهری" بود. وی در طول عمر خود فعالیت‌های حرفه‌ای قابل ملاحظه‌ای انجام داد که از جمله آنان می‌توان به طراحی اراضی عباس‌آباد تهران (شهستان سابق) در سمت طراح شهری ارشد پروژه اشاره نمود.

¹ The Prince of Wales, "A Vision of Britain", 1989

² South worth, "Theory and Practice of Contemporary Urban Design", 1989, P.369-402

تیبالدز در سه مقاله "برنامه ریزی و طراحی شهری: یک دستور کار جدید"، "طراحی و ارزیابی کدهای طراحی شهری" و "طراحی شهری: عرصه عمومی در مقابل عرصه خصوصی" که طی سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰ منتشر گردید و همچنین در کتابی تحت عنوان "ساخت شهرهای مناسب مردم" به ارائه پیشنهادات و معیارهایی برای یک طراحی شهری "خوب" اقدام نموده است.^۱ وی از جمله کسانی است که به استقبال نظریات "پرنس چارلز" رفته و پیشنهادات خود را نیز در قالب "ده فرمان" به موازات ده توصیه "پرنس چارلز" سازمان داده و ارائه کرده است.^۲ از نظر فرانسیس تیبالدز در یک طراحی شهری واجد کیفیت مطلوب لازم است که:

- ۱- "مکان ها پیش از ساختمانها" در نظر گرفته شوند؛
- ۲- "از گذشته ها باید درس گرفت" و به بافت های موجود احترام نهاد؛
- ۳- از "کاربری مختلط" در شهرها استفاده شود؛
- ۴- "مقیاس انسانی" در طرح رعایت گردد؛
- ۵- "آسایش پیاده ها" تأمین شود؛
- ۶- تمام گروههای جامعه در نظر گرفته شده و مورد مشورت قرار گیرند؛
- ۷- "خوانایی" محیط به عنوان یک هدف در نظر گرفته شود؛
- ۸- محیطها به شکلی "انعطاف پذیر" و انطباق پذیر طراحی و پیش بینی گردند؛
- ۹- رشد و تغییرات محیط شهری به مثابه "فرایند تدریجی" در نظر گرفته شود؛
- ۱۰- در ارتقاء پیچیدگی، شادی بخش بودن و ایجاد "خوشایندی بصری" محیط تلاش گردد.

یکی دیگر از مجموعه معیارهای ارائه شده در خصوص کیفیت های طراحی شهری، مجموعه معیارهای "گرین" است. "گرین" در مقاله ای که تحت عنوان "شکل شهر" در سال ۱۹۹۲ میلادی منتشر کرد، برای کیفیت طراحی شهری چهار مؤلفه (یا چهار خوشه) اصلی بازنمایی می نماید که هر یک از مؤلفه ها، خود متشکل از عناصر متعددی به شرح زیر هستند.^۳

- ۱- عملکرد: شامل "ارتباط"، "امنیت"، "آسایش اقلیمی" و "تنوع"
- ۲- نظم: شامل "انسجام"، "وضوح"، "پیوستگی" و "تعادل"
- ۳- هویت: شامل "شکل دادن به کانونها"، "وحدت"، "شخصیت" و "خاص بودن"

¹ Tibbalds, "Planning and Urban Design: A New Agenda", 1988a, P.4.
Tibbalds, "Design and Evaluation of Urban Design Codes", 1990a, P.40-44
Tibbalds, "Urban Design: Public V. Practic Realm", 1990b, P.59-61

² Tibbalds, "Urban Design: Tibbalds offers the Prince his Ten Commandments", 1988b, P.1.

³ Greene Cityshpe, 1992, P. 177-189.

۴- جذابیت: شامل "مقیاس"، "تناوب بصری و عملکردی"، "سرزندگی" و "هارمونی"

"برایان گودی" نظریه پرداز برجسته مسایل شهری در سال ۱۹۹۳ در مقاله "دو آقا در ورونا: کیفیت‌های طراحی شهری"^۱، کیفیات مورد بحث را به ترتیب زیر فهرست می کند:

۱- "سرزندگی"؛

۲- "هارمونی با بستر موجود"؛

۳- "تنوع"؛

۴- "مقیاس انسانی"؛

۵- "نفوذ پذیری"؛

۶- امکان "شخصی سازی" مکان (مهر خویش را بر فضا زدن)؛

۷- "خوانایی"؛

۸- "انعطاف پذیری"؛

۹- امکان "تحول" سنجیده و کنترل شده؛ و

۱۰- "غنا"

آن چنان که مشاهده می شود مشابهت فراوانی میان مجموعه معیارهای "گودی" و معیارهای "بنتلی" و همکارانش (کتاب "محیط‌های پاسخده") به چشم می خورد، و در نتیجه از همان ضعف‌ها و نارسایی‌های زیست محیطی و ... نیز رنج می برد.

بر اساس مطالعه ای که در مورد مسائل کیفی شهر لندن توسط "کمیته مشورتی برنامه ریزی لندن (LPAC)" صورت گرفته است، گزارشی تحت عنوان "کیفیت‌های محیط شهری لندن" در سال ۱۹۹۳ میلادی انتشار یافت که متضمن مجموعه معیارهایی است که می تواند ضامن ارتقاء کیفیت شهری باشد. براساس پیشنهادات گزارش مزبور کیفیت محیط شهری درگرو فراهم بودن این موارد است:

۱- "مقیاس انسانی و فشردگی بافت شهر"؛

۲- ساختار مناسب خوانایی و هویت؛

۳- پاکیزگی و ایمنی؛

۴- مدیریت شهری مطلوب؛

۵- غنای بصری؛

۶- کاربری و فعالیت های مختلط.

۷- وجود فضاهای همگانی و فضاهای خاص؛ و

¹ Goodey, "Two Gentlemen in Verona: The Qualities of Urban Design", 1993, P.3-5.

۸- سهولت حرکت پیاده و سواره.^۱

مطالعاتی که در زمینه کیفیت محیط‌های شهری در استرالیا توسط "نیروی ویژه طراحی شهری نخست وزیر" این کشور (PMUDTF) به عمل آمده، در قالب گزارشی تحت عنوان "طراحی شهری در استرالیا" در سال ۱۹۹۴ انتشار یافته و موارد زیر را جهت ارتقاء وضعیت طراحی شهری به نخست وزیر این کشور توصیه می‌نماید:

۱- کمال در طراحی معماری و شهری؛

۲- توزیع گسترده تر منافع محیطی در میان جمعیت؛

۳- استحصال منافع محیطی بر اساس توجه به بستر طبیعی و مصنوعی طرح‌ها؛

۴- پاسخگویی به ویژگی‌ها و نیازهای محلی؛

۵- مرتبط بودن طرح‌ها با شرایط دنیای معاصر؛

۶- باز گذاشتن طرح‌ها برای انطباق با تحولات مداوم آتی؛

۷- تحکیم ارتباط با گذشته.^۲

پژوهش‌های دیگری که در زمینه طراحی شهری به ویژه با تأکید بر مسایل مبتنی بر بوم‌شناسی در کشور استرالیا به عمل آمده است، توسط "هاتن" و "هانتز" در کتابی تحت عنوان "شهر پایدار" جمع‌بندی شده و در سال ۱۹۹۴ انتشار یافته است. بر اساس توصیه‌های کتاب مزبور کیفیت طراحی شهری در یک شهر پایدار متضمن رعایت این موارد است:

۱- تنوع؛

۲- تمرکز؛

۳- دمکراسی (مردم‌سالاری)؛

۴- نفوذ پذیری؛

۵- امنیت؛

۶- مقیاس مناسب؛

۷- طراحی ارگانیک؛

۸- اقتصاد و ابزارهای مناسب آن؛

۹- روابط خلاقانه؛

۱۰- انعطاف پذیری؛

^۱ LPAC, "London's Urban Environmental Quality", 1993

^۲ PMUDTF, "Urban Design in Australia", 1994, University of Sydney, Urban Design in New South Wales, 1996

۱۱- مشورت و مشارکت دادن استفاده کنندگان در طرح‌ها.^۱

علاوه بر نظریه پردازان طراحی شهری در بریتانیا و استرالیا، پژوهشگران این رشته در ایالات متحده آمریکا نیز با توجه به دغدغه خاطر در قبال مسایل کیفیت محیطی، به ارائه مجموعه معیارهایی جهت حصول به یک طراحی شهری "خوب" اقدام نموده اند. به طور مثال می‌توان به کتاب "چشم اندازهایی برای رویای آمریکایی نوین" نوشته نلسن که به سال ۱۹۹۴ منتشر گردیده است، اشاره نمود. معیارهای پیشنهادی "نلسن"، که با توجه به دغدغه های متأخر جنبش نیو اوربانیزم شکل یافته، شامل این موارد است:

- ۱- رعایت مقیاس انسانی؛
- ۲- مسئولیت پذیری مبتنی بر بوم شناسی؛
- ۳- ترویج پیاده گرایی؛
- ۴- پیش بینی فضاهای باز؛
- ۵- پیش بینی "هسته"ها در طرح؛
- ۶- توجه به منظر خیابان؛
- ۷- تنوع؛
- ۸- کاربری مختلط و چندگانه؛
- ۹- استفاده از واژگان طراحانه معین؛ و
- ۱۰- تعمیر و نگهداری دایمی محیط شهری.^۲

نهایتاً می‌بایست به نتایج سمینار ملی "طراحی شهری در استرالیا" اشاره داشت که در قالب گزارش "چالش طراحی شهری" در سال ۱۹۹۶ جمع بندی و ارائه گردیده است، اشاره نمود. بر پایه جمع بندی سمینار مزبور، حصول کیفیت‌های مطلوب طراحی شهری درگرو موارد زیر است:

- ۱- "توسعه پایدار" به مفهوم توجه به محیط های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی که در شکل "کارایی" و "عدالت" محیطی و عملکردی و احترام به "کاراکتر محل" متجلی می‌گردد؛
- ۲- یکپارچگی و همکاری؛
- ۳- پاسخگویی به نیازهای بافت محل؛ و
- ۴- قابلیت رؤیت و دسترسی است.^۳

¹ Houghton & Hunter, " Sustainable Cities" , 1994.

² Nelessen, "Visions for a New American Dream", 1994

³ "Urban Futures The Challenge of Urban Design", 1996

۳-۲- کیفیت های طراحی شهری "خوب" از دیدگاه تجارب عملی

بحث کیفیت طراحی شهری و مؤلفه‌های سازنده آن را نه تنها از دیدگاه نظری و آراء صاحب نظران (همان گونه که در قسمت بالا مشاهده شد)، همچنین از دیدگاه تجارب عملی و آنچه که در پروژه‌های طراحی شهری به عنوان کیفیت‌های مطلوب مد نظر قرار گرفته، نیز می‌توان مورد بررسی و پیگیری قرار داد. در این قسمت از نوشتار، به منظور آشنایی با جایگاه مفهوم "کیفیت" در تجارب عملی طراحی شهری، مروری بر کیفیت هایی که عملاً در برنامه‌های طراحی شهری دو کشور انگلستان و ایالات متحده آمریکا مد نظر داشته‌اند، خواهیم کرد.

۳-۲-۱- کیفیت های طراحی شهری در تجربه انگلستان

در پژوهشی که "جان پانتر" و "متیو کرمونا" از سال ۱۹۹۱ در مورد محتوای طراحانه برنامه‌های توسعه شهری در انگلستان به عمل آورده و نتایج آن را به صورت‌های گوناگون، از جمله در سال ۱۹۹۷ در کتابی تحت عنوان "بعد طراحانه برنامه‌ریزی" منتشر ساختند، بحث کیفیت‌های طراحی شهری مندرج در برنامه‌های توسعه شهری مورد توجه قرار داشته است. پانتر و کرمونا با استفاده از روش "تحلیل محتوا"، هفتاد و سه مورد از برنامه‌های توسعه شهری (development plans) که در مقیاس‌های گوناگون در انگلستان تهیه و تصویب شده بودند را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف پژوهش مزبور، بازشناسی چگونگی تدوین و ارایه سیاست ها و ضوابط مرتبط با کیفیت‌های محیطی، و یا چنانچه از ترمینولوژی خود مؤلفین مزبور استفاده نماییم، بررسی "بعد طراحانه برنامه های توسعه شهری" در انگلستان بوده است.^۱ گردآوری و تحلیل داده های مرتبط با طرح های توسعه شهری نشان داده است که سر فصل کیفیت های پوشش داده شده در سیاست های طراحی شهری مندرج در برنامه های مزبور (که میزان فراوانی نسبی تکرارشان در هفتاد و سه طرح مورد بررسی، به صورت درصد درون پراکنش ارایه شده) به شرح زیر قابل ذکر است.^۲

۱- کیفیت پایداری زیست محیطی

شامل کیفیت "سر و صدا" (۵۸٪)، "انرژی جهت گیری" (۴۲٪)، "بوم شناسی حفاظت طبیعت" (۴۱٪)، "مصالح" (۳۴٪)، "فرم شهری" (۱۲٪) و غیره.

۲- کیفیت های منظر شهری

شامل کیفیت "کارا کتر" (۷۰٪)، "بافت" (۴۰٪)، "منظر شهری" (۲۶٪)، "نشانه" (۲۲٪)، "ریخت شناسی" (۲۱٪)، "عناصر چشم آزار" (۱۴٪) و ...

^۱ Punter & Carmona,

^۲ Ibid., P. 150, 156, 159, 162, 166, 170.

۳- کیفیت دیدها

شامل کیفیت "کریدورهای دید" (۰/۴۷)، "خط آسمان" (۰/۳۶)، "چشم اندازها" (۰/۲۵)، "کنترل احداث بناهای مرتفع" (۰/۱۶).

۴- کیفیت فرم شهر

شامل کیفیت "تراکم" (۰/۶۷)، "توده احجام" (۰/۴۴)، "عرصه زندگی خصوصی" (۰/۳۸)، "نور و آفتاب گیری" (۰/۳۷)، "اندازه قطعه" (۰/۲۷)، "خط ساختمان" (۰/۲۳)، "سایه اندازی" (۰/۲۲)، "فاصله ساختمان ها" (۰/۲۰)، "نسبت پوشش سایت/قطعه" (۰/۱۴)، "محصوریت فضا" (۰/۱۲).

۵- کیفیت فرم ساختمان ها

شامل کیفیت "مقیاس" (۰/۹۰)، "ارتفاع" (۰/۵۶)، "فرم" (۰/۴۲)، "حجم" (۰/۲۳)، "اندازه" (۰/۱۶)، "تیپ خانه ها" (۰/۲۶).

۶- کیفیت عرصه همگانی

شامل کیفیت "دسترسی" (از نظر فرش کف، نور، مبلمان، خط کشی عابر پیاده و ...). (۰/۷۲)، "طرح" (۰/۷۲)، "ایمنی" (۰/۵۳)، "بزهکاری" (۰/۴۷)، "دسترسی معلولین" (۰/۴۲)، "فضای همگانی" (۰/۴۱)، "هنرهای همگانی" (۰/۴۱)، "شبکه فضاهای باز" (خیابان، سواره، پیاده، دوچرخه) (۰/۲۷) و

نهایتاً "پانتر و کرمونا" در کنار طبقه بندی فوق، که ناظر بر کیفیت های مندرج در برنامه های فعلی انگلستان است، توصیه های عملی خود را جهت حصول به طراحی شهری با کیفیت بهتر در قالب پنج محور:

۱- مسایل عام طراحی شهری؛

۲- منظر شهری؛

۳- فرم شهری؛

۴- عرصه همگانی؛

۵- طرح استقرار (layout) ارایه می کنند.^۱

در ادامه بحث کنترل کیفیت های طراحی شهری در انگلستان، در این قسمت لازم است به توصیه ها و سیستم کنترل پیشنهادی دولت مرکزی این کشور اشاره شود. دولت مرکزی انگلستان جهت حصول اطمینان از کیفیت برنامه های طراحی شهری، به شکل رسمی، یک چک لیست در برگیرنده آیتام های

^۱ Ibid., PP. 197-199.

مشخصی برای کاربرد در مرحله بازبینی و کنترل طراحی ها ارائه نموده است. چک لیست توصیه های دولت مرکزی، کیفیت‌هایی را که می‌بایست در برنامه‌های طراحی شهری لحاظ شده باشند، به شکل زیر در قالب هشت خوشه سازمان داده و پیشنهاد می‌نماید.¹

۱- قرارگاه و خصوصیات سایت

شامل کیفیت "توپوگرافی"، "لندسکیپ منظر شهری"، "دیدها"، "رؤیت پذیری"، "منظر خیابان".

۲- طرح و نقشه

شامل کیفیت "فضاهای خارجی"، "دسترسی و پارکینگ اتومبیل"، "خدمات رسانی"، "معاثر پیاده"، "دسترسی معلولین".

۳- نور و صدا

شامل کیفیت "محوطه‌سازی" (سخت و نرم)، "درختان"، "فضاهای رفاهی همگانی و خصوصی"، "مبلمان خیابان‌ها" و ...

۴- محوطه آرای

شامل کیفیت "نگهداری و رسیدگی به فضاهای واجد اهمیت ویژه، ملاحظات خاص برای حفاظت درختان" و ...

۵- فضاهای باز

شامل "حفاظت فضاهای باز طبیعی در شهر و حومه"، "حفظ فضاهای باز شهری موجود" و ...

۶- پیشگیری از بزهکاری؛ امنیت

شامل طرح کالبدی "با قابلیت پیشگیری از بزه"، "نورپردازی و مراقبت"، "محیط سرزنده و کاهنده جرائم"، "امکان نظارت و مراقبت غیر محسوس" و ...

۷- کاربری زمین مختلط و کاربرد اجتماعی زمین شامل "حفظ کاربری‌های مختلط ابنیه موجود"، "ارزش منفی داشتن جداره های شهری بی جان (بدون مغازه های خرده فروشی)" و ...

۸- مبحث پایداری

شامل "حفظ مطلوبیت و زیبایی‌های طبیعی"، "محیط‌های تاریخی"، "پیشگیری از توسعه‌های کم تراکم"، "کاستن از نیاز به سفرهای شهری از طریق طراحی مناسب"، "طراحی ابنیه کم مصرف از نظر انرژی و ...

¹ Ibid., P.49.

۳-۲-۲- کیفیت های طراحی شهری در تجربه آمریکا

در این بخش از نوشتار مروری بر کیفیت‌های لحاظ شده در برنامه‌های طراحی شهری اجرا شده در ایالات متحده آمریکا خواهیم نمود. برای انجام این کار پژوهش به عمل آمده توسط "مایکل ساوت ورث" در سال ۱۹۸۹^۱، و تحقیق انجام شده توسط "حمید شیروانی" در سال ۱۹۸۱^۲، منابع اصلی اطلاعات ما خواهند بود.

براساس مروری که از هفتاد مورد برنامه طراحی شهری مرتبط با چهل شهر در ایالات متحده توسط "ساوت ورث" صورت گرفته است، تلاش شده تا اهداف، کیفیت‌های محیطی مورد نظر، محتوای تحلیلی، روش‌های تحلیلی و درجه و نوع مشارکت همگانی در برنامه‌های مزبور مورد بررسی قرار گیرند. در پژوهش مزبور، ترکیب و فراوانی انواع کیفیت‌های طراحی شهری که برنامه‌های مورد مطالعه رصد شده‌اند، معلوم گردیده است. در واقع، بیش از دویست و پنجاه گونه کیفیت محیطی در هفتاد برنامه‌ای که مورد بازبینی قرار داشتند مورد اشاره بوده‌اند. کیفیت‌های مزبور در قالب هفده خوشه مختلف قابل گروه‌بندی هستند، که به ترتیب فراوانی تکرار آن‌ها در برنامه‌ها به ترتیب زیر خواهند بود:^۳

۱- ساختار و خوانایی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۸۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر کیفیت "حس مکان"، "هویت"، "هویت ابنیه همگانی"، "شخصیت قوی محلات"، "دید و چشم‌انداز"، "پیوستگی منظر خیابان"، "بیان واضح فرم قرارگاه طبیعی"، "راه‌های پیاده" و ...

۲- فرم

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۶۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر کیفیت "مقیاس انسانی و پیاده محل"، "مقیاس مناسب ابنیه"، "خیابان به عنوان کریدوری تعریف شده"، "محسوریت"، "کیفیت بصری منظر خیابان"، "غنا"، "بافت"، "ارزش‌های معمارانه" و ...

۳- آسایش و راحتی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۵۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر کیفیت "آسایش از نظر اقلیم خرد"، "حفاظت پیاده‌ها از شرایط آب و هوایی"، "تسهیلات برای پیاده‌های (مبلمان شهری)"، "ایستگاه اتوبوس"، "کاهش سروصدا"، "دسترسی به آفتاب"، "جلوگیری از نور خیره کننده" و ...

¹ South worth, "Theory and Practice of Contemporary Urban Design", 1989.

² Shirvani, "Urban Design Review", 1981.

³ South worth Op. Cit., 1989, P.372-375.

۴- دسترسی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۶۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر کیفیت "دسترسی پیاده‌ها"، "جهت‌یابی پیاده‌ها"، "رفت و آمد و توقفگاه سواره"، "فضاهای باز قابل دسترس"، "کاهش تراکم ترافیک"، "دسترسی برای همه" (پیاده، سواره، دوچرخه و ...)

۵- بهداشت و ایمنی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد حداکثر در ۵۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر کیفیت "معايير همگانی از نظر ایمنی"، "ایمنی پیاده و دوچرخه‌سوار"، "کاستن از تعارض حرکت پیاده و سواره"، "کاستن از آلودگی هوا"، "نورپردازی برای ایمنی در شب‌ها"، "ایمن‌سازی اسکلت ابنیه" و ...

۶- حفاظت تاریخی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۴۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر کیفیت "حفاظت"، "پیوند با گذشته"، "آگاهی از میراث فرهنگی"، "حفظ ابنیه واجد ارزش معمارانه"، "ابنیه تاریخی به‌عنوان منابع و ذخایر آموزشی-تفریحی"، "تجلی تاریخ"، "تبادل فرهنگی" و ...

۷- سرزندگی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۲۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر کیفیت "سرزندگی اقتصادی"، "جذابیت طبقات همکف خیابان‌ها"، "سرزندگی حرکت پیاده‌ها"، "حس شهریت در مراکز شهری"، "فعالیت‌های قابل رؤیت"، "تجمع فعالیت‌های خرده‌فروشی و ...

۸- حفاظت محیط طبیعی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۳۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "حفاظت ویژگی‌های برجسته طبیعت محل"، "حفاظت دره‌ها، تپه‌ها و شکاف‌ها"، "حفاظت کاراکنتر نواحی روستایی" و ...

۹- تنوع

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۲۰٪ برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "کاربری مختلط زمین"، "تنوع استفاده کنندگان"، "تنوع فعالیت‌ها در مرکز شهر"، "تکثر انواع مشاغل" و ...

۱۰- سازگاری

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۲۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، شامل کیفیت "رابطه میان کهنه و نو"، "مطابقت شدت توسعه با ظرفیت معابر"، "انطباق واژگان طراحانه مورد استفاده با محیط مورد مداخله" و ...

۱۱- گشودگی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۲۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "فضای باز کافی"، "فضای باز قابل استفاده"، "ایجاد فضاهای باز جدید"، "ایجاد شبکه‌ای ریزبافت از فضاهای باز در نواحی متراکم" و ...

۱۲- مرادوات اجتماعی

شامل کیفیت‌هایی که برحسب مورد، حداکثر در ۲۰٪ برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "مکان‌های گردهمایی"، "اماکن اجتماعی"، "حس محله و جامعه محلی" و ...

۱۳- برابری و مساوات

شامل کیفیت‌هایی که در کمتر از ۱۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "سهام برابر از ثروت‌ها و منابع شهری"، "توجه متعادل به نیاز ساکنین و توریست‌ها"، "مسکن برای همه گروه‌های اقتصادی و اجتماعی"، "شیب اجتماعی ملایم‌تر" و ...

۱۴- نگهداری

شامل کیفیت‌هایی که در کمتر از ۱۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "گونه‌هایی از پوشش گیاهی که نیازمند نگهداری کمتر باشد"، "خدمات نگهداری متمرکز"، "نگهداری قطعات بایر زمین" و ...

۱۵- انطباق پذیری

شامل کیفیت‌هایی که در کمتر از ۱۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "انعطاف جهت پذیرش کاربری‌های متنوع"، "توانایی تغییر در طی زمان"، "مدیریت تغییرات سریع" و ...

۱۶- معنی

شامل کیفیت‌هایی که در کمتر از ۱۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "واجد معنی بودن برای طیف وسیعی از ساکنین" و ...

شامل کیفیت‌هایی که در کمتر از ۱۰٪ از برنامه‌های مورد بررسی لحاظ شده‌اند، نظیر "توانمندسازی و اهمیت دادن به مردم نظارت شهروندان" و ...

بنابر اعتقاد "مایکل ساوت ورث"، چنانچه مجموعه کیفیت‌های محیطی‌ای را که در برنامه‌های مورد مطالعه مدنظر بوده‌اند، با معیارهای پیشنهادی کوین لینچ ("تئوری فرم خوب شهر") مقایسه نماییم، متوجه خواهیم شده که عمده کیفیت‌های بازشناسی شده را می‌توان درون چارچوب پیشنهادی لینچ طبقه‌بندی نمود. به‌طور مثال می‌توان "ساختار و خوانایی"، "فرم" و "حفاظت تاریخی" را در معیار "حس/معنی" لینچ، و "حفاظت محیط طبیعی" و "بهداشت و ایمنی" را در معیار "سرزندگی" لینچ طبقه‌بندی کرد. با این وجود، به اعتقاد "ساوت ورث"، کیفیت‌هایی نظیر "مراودات اجتماعی"، "تسهیلات" و "نگهداری" را نمی‌توان به راحتی درون چارچوب پیشنهادی لینچ طبقه‌بندی نمود؛ درحالی که به واسطه اهمیت چنین کیفیت‌هایی، که دغدغه مشترک همه شهروندان است، لازم است که در هر تئوری فرم شهری ملحوظ گردد.^۱ همچنین لازم به ذکر است که تحقیق "ساوت ورث" نشان داده است که مشابهت قابل ملاحظه‌ای از نظر رتبه و اهمیت انواع کیفیت‌های محیطی موردنظر در برنامه‌های طراحی شهر بازمینی شده (که طی سال‌های ۱۹۷۲ الی ۱۹۸۹ تهیه شده بودند) و برنامه‌های طراحی شهری تهیه شده در طی دوره ۱۹۶۰ الی ۱۹۷۲ میلادی به چشم می‌خورد. این امر می‌تواند نشان دهنده ثبات اهمیت نسبی و رتبه کیفیت‌های محیطی فوق‌الذکر باشد.^۲

در یک اثر تحقیقاتی، حمید شیروانی به مطالعه تطبیقی چهار برنامه طراحی شهری مربوط به شهرهای بوستون، مینیا پولیس، نیویورک و سانفرانسیسکو می‌پردازد. براساس مدل شیروانی، هر برنامه طراحی شهری از چهار جنبه "رویکرد"، ماهیت، عناصر و مدیریت قابل بررسی هستند. با این توضیح که "عناصر" (elements) در مدل شیروانی همان کیفیت‌های محیطی‌ای هستند که در برنامه طراحی شهری لحاظ شده‌اند، به معرفی آن‌ها می‌پردازیم. کیفیت‌های محیطی لحاظ شده در برنامه‌های مزبور در سه خوشه اصلی قابل طبقه‌بندی بوده و برحسب فراوانی تکرارشان در شهرهای مطالعه شده به قرار زیر هستند:^۳

۱- سازگاری

شامل کیفیت "محل استقرار"، "کاربری زمین"، "ارتفاع، حجم، تراکم ساختمانی"، "خط خیابان"، "عقب‌نشینی"، "سطح پوشش قطعه".

۲- جلوه‌های خارجی

^۱ South worth Op. Cit., P.402.

^۲ Ibid., 1989, P. 372.

^۳ Shirvani, "Urban Design Review", 1981, P.81.

شامل کیفیت "دسترسی، پارکینگ، بارگیری، سرویس"، "محوطه‌سازی، فرش کف، علایم"، "تسهیلات خدماتی، امکانات تفریحی"، "مراقبت"، "جوانب مختلف دید و منظر".

۳- مباحث معمارانه

شامل کیفیت "مقیاس، سبک‌ها"، "بام‌ها، فرم شیروانی"، "ایوان‌ها، پیش‌آمدگی و ..."، "گذرهای سرپوشیده، پله‌ها و ..."، "مواد و مصالح، رنگ، بافت"، "جزئیات نما".

۴- چارچوب نظری برای تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری

مروری که بر ادبیات طراحی شهری به عمل آورده شد، مجموعه گسترده‌ای از عناصر و مفاهیم وابسته به مفهوم کلیدی "کیفیت طراحی شهری" و اجزاء آن را آشکار نمود. برای انتظام بخشیدن به مجموعه‌ای چنین وسیع از عناصر و مفاهیم متکثر و متنوعی که اهل فن به آن‌ها اشاره داشته‌اند، تدوین یک چارچوب نظری ضرورت دارد.

از این رو، در این بخش از مطالعه، نخست سه مورد مدل‌های گوناگونی که به ترتیب توسط "دانلد اپلیارد"، "جان لنگ" و "دیوید کانتر" پیشنهاد شده و قابلیت استفاده به عنوان چارچوب نظری برای تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری را دارند مورد بررسی قرار خواهد گرفت، سپس با بهره گرفتن از نقاط قوت مدل‌های مزبور، مدل پیشنهادی این مطالعه تحت عنوان "مدل مکان پایدار" به عنوان یک چارچوب نظری مناسب جهت بازشناسی و تفسیر مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری ارائه و بحث خواهد شد.

۴-۱- مدل اپلیارد: حالت‌های ادراک انسانی

براساس مدل پیشنهادی اپلیارد، می‌توان مؤلفه‌های گوناگون کیفیت طراحی شهری را براساس پاسخگویی به حالات ادراکی مختلف انسان سازمان‌دهی و طبقه‌بندی نمود. در طول چند دهه گذشته تعداد قابل ملاحظه‌ای از معماران و طراحان شهری به مبحث ادراک محیطی و شیوه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. "دانلد اپلیارد" به عنوان یکی از برجسته‌ترین پیشگامان این شاخه از مطالعات تجربی طراحی شهری، واکنش‌های ادراکی "انسان" در برابر "محیط" را به سه حالت زیر تفکیک می‌کند.^۱

۱- حالت "واکنشی-عاطفی" (responsive mode)

این درحالت دربرگیرنده واکنش‌های عاطفی (emotional) افراد نسبت به محیط است، در این وضعیت، محیط به مثابه محرکی جهت برانگیختن احساسات (feeling) و تداعی معانی (association) تلقی می‌گردد.

^۱ Appleyard, "Planning thr Pluralistic City", 1979.

۲- حالت "عملیاتی" (operational mode)

حالتی است که غالباً توسط افراد در زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود، نظیر تردد از مکانی به مکان دیگر جهت انجام عملکرد خاصی همچون کار، ملاقات و ...

۳- حالت "استنباطی" (inferential mode)

در "حالت استنباطی" افراد برای حمایت از فعالیت‌های "عملیاتی" و "واکنشی-عاطفی" خود در جستجوی کسب اطلاعات از محیط و نهایتاً فهم "معنی" آن هستند. در این وضعیت "اطلاعات استنباط شده" موجب روشن گردیدن هویت فردی و جمعی محیط و جامعه مرتبط با آن و نهایتاً تعریف "حس مکان" می‌گردد.

آثار مکتوب طراحی شهری را براساس کانون توجه مؤلفین آن‌ها، برحسب حالات سه‌گانه ادراکی معرفی شده توسط اپلیارد، می‌توان طبقه بندی نمود. به‌طور مثال می‌توان گفت کتاب "منظر شهری" گوردن کالن^۱ به رابطه "واکنشی-عاطفی" انسان و محیط تعلق دارد. آثار مؤلفینی را که بر جنبه کاربرد اجتماعی فضاهای شهری تأکید داشته‌اند (نظیر ویلیام وایت^۲، جین جیکوبز^۳، کوپر مارکوس و سرکیسیان^۴، می‌توان آثاری دانست که به رابطه "عملیاتی" میان انسان و محیط توجه داشته‌اند. درنهایت به عنوان مثالی از آثاری که به رابطه "استنباطی" میان انسان و محیط پرداخته‌اند، می‌توان به کتاب "منظر ذهنی شهر کوپن لینچ"^۵ اشاره کرد. با این وجود آنجا که افراد پیوسته در وضعیت حرکت آونگی میان حالت‌های "عملیاتی"، "واکنشی-عاطفی" و "استنباطی" هستند، لازم است که کیفیت محیط نیز برآورنده تقاضاهای متنوعی که از محیط می‌رود و انواع توجهاتی که بدان مبذول می‌شود، باشد. از این رو، طراحان شهری نمی‌توانند توجه خود را تنها به یکی از حالات سه‌گانه ادراک محیط معطوف نمایند؛ بلکه لازم است که آنان به شکل گسترده‌تری به کیفیت‌هایی که انتظار تجلی آنها در محیط طبیعی و مصنوع مورد انتظار جامعه می‌باشد توجه نموده و طیف وسیع‌تر و متنوع‌تری از نیازهای جامعه را در طراحی لحاظ نمایند. کیفیت‌های طراحی شهری براساس "مدل اپلیارد" برحسب ارتباطشان با یکی از

¹ Cullen 1961, Townscape

همچنین ر.ک. به برگردان فارسی این اثر تحت عنوان "چکیده منظر شهری"، ترجمه منوچهر طیبیان

² Whyte, "The Social Life of Small Urban Spaces", 1980.

³ Jacobs, "The Death and Life of Great American City", 1961.

⁴ Cooper Marcus & Sarkissian, "Housing as if People Mattered", 1986.

⁵ Lynch, K., "The Image of the City", Cambridge Mass.: MIT Press, 1960.

همچنین ر.ک. به برگردان فارسی اثر تحت عنوان "سیمای شهر"، ترجمه منوچهر مزینی.

کیفیت های طراحی مداخله کننده	مدل "لنگ" (نیازهای انسانی)	مدل "اپلیارد" (حالات ادراک انسانی)
<ul style="list-style-type: none"> • مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی • آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم اقلیم خرد، ...) • استحکام و تعادل مبتنی بر بوم شناسی 	<p>فیزیولوژیک (غذا، سرپناه، بهداشت)</p>	ادراک عملیاتی
<ul style="list-style-type: none"> • ایمنی معابر • نظارت و مراقبت (امنیت) • محریمیت (عرصه های خصوصی) • نفوذپذیری و انعطاف پذیری 	<p>ایمنی و امنیت (مصون ماندن از خطر، آلودگی، محریمیت و اشراف)</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • تسهیلات اجتماعی (مراودات محله ای) • حس مکان، هویت • خوانایی، تناسب بصری 	<p>وابستگی (حسن تعلق به جمع و گروه)</p>	ادراک استنباطی
<ul style="list-style-type: none"> • مالکیت • فردیت، تعلق به مکان و گروه داشتن 	<p>عزت و اعتماد به نفس (شناسایی شدن)</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • فرصت‌هایی برای شخصی سازی فضا و مشارکت در طراحی • تنوع 	<p>تحقق خویشتن (خلاقیت)</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • امکان فعالیت های فرهنگی – تفریحی • منظر شهری و منظر طبیعی خوب • غنی 	<p>شناختی – زیباشناختی (تحریک عقل و حسی)</p>	ادراک واکنشی – عاطفی

حالت‌های ادراکی انسان در قالب سه مؤلفه "عملیاتی"، "استنباطی" و "واکنشی/عاطفی" قابل

طبقه‌بندی هستند (شکل شماره ۱)

شکل شماره ۱: مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری براساس مدل "اپلیارد" و مدل "لنگ"

[منبع: با استفاده از Walmsley, 1988, pp.60-61 و همچنین Punter & Carmona, 1997: 71]

۲-۴- مدل لنگ : نیازهای انسانی

مطابق مدل ارائه شده توسط "جان لنگ"، که به نوبه خود با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای "آبراهام مازلو" تدوین شده است، کیفیت‌های طراحی شهری را می‌توان برحسب برآورده ساختن گونه‌های مختلف نیازهای انسان طبقه‌بندی نمود. در واقع مدل لنگ، قرائت جدیدی از طراحی شهری از گوشه عینک "آبراهام مازلو" و در پرتو یافته‌های تحقیقات اخیر است. براساس چارچوب مزبور، لازم است طراحی شهری متکفل برآورده ساختن نیازهای متفاوت انسانی به ترتیب زیر باشد:^۱

۱- نیازهای فیزیولوژیک

نیازهایی همچون غذا، سرپناه و بهداشت هستند. چنین نیازهایی از طریق کیفیت مسکن، تسهیلات و تجهیزات کافی، آسایش (دما، آفتاب، باران، تنظیم شرایط اقلیم خرد) و حفظ تعادل بوم‌شناسی محل که در طراحی شهری لحاظ شده باشد تأمین می‌گردد.

۲- نیاز به "ایمنی و امنیت"

شامل نیازهایی نظیر مصون ماندن از مخاطرات و آلودگی‌ها، برخورداری از عرصه خصوصی موردنیاز (محرومیت)، و رعایت مسأله اشراف است. این نیازها از طریق تأمین کیفیت ایمنی معابر، امکان نظارت و مراقبت، نفوذپذیری و قابلیت دسترسی و انعطاف‌پذیری فضاها برآورده می‌شوند.

۳- نیاز به "وابستگی" (یا نیاز به احساس تعلق به یک جمع و گروه خاص داشتن)

این نیاز از طریق تأمین تسهیلات اجتماعی، به نحوی که موجب تشویق مراودات اجتماعی محلی گردد، و از طریق تقویت حس مکان، هویت، خوانایی تناسب بصری در طراحی شهری پیگیری می‌شود.

۴- نیاز به "عزت و اعتماد به نفس"

تأمین این نیاز از طریق کیفیت و چگونگی "مالکیت" اراضی و مستحدثات، ایجاد "حس فردیت" و تعلق داشتن به مکان و گروه خاص دنبال می‌شود.

۵- نیاز به "تحقق خویشتن" (خود شکوفایی یا نیاز به انجام فعالیتی خلاقه)

این نیاز از طریق فرصت‌هایی که طراحی شهری برای "شخصی سازی" (personalization) فضا و "مشارکت در امر طراحی" فراهم می‌آورد و همچنین از طریق "تنوع" در طراحی پاسخ داده می‌شود.

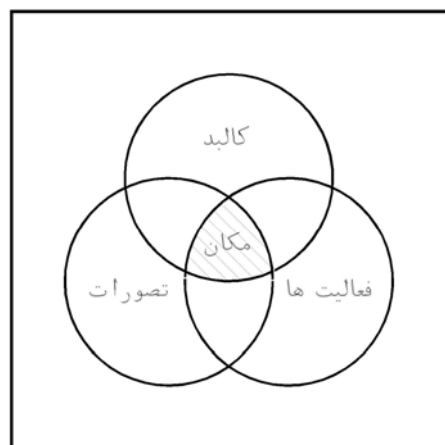
۶- نیازهای "شناختی-زیباشناختی"

^۱ Lang "Urban Design- The American Experience", 1994.

که براساس انگیزش‌های حسی و عقلی ایجاد می‌شود. این نیازها از طریق تأمین امکان فعالیت‌های فرهنگی- تفریحی توسط طراحی شهری، خلق مناظر شهری و طبیعی خوب و ایجاد غنا در کیفیات محیطی قابل پاسخگویی هستند.

۳-۴- مدل "کانتر": مؤلفه‌های "مکان"

مدل مشهور "دیوید کانتر"، از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری، را می‌توان از دیگر چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری است، محسوب نمود. براساس مدل مزبور، که به مدل "مکان" شهرت دارد، محیط شهری به مثابه یک "مکان" متشکل از سه بعد در هم تنیده "کالبد"، "فعالیت‌ها" و "تصورات" است.^۱ از آنجا که کیفیت طراحی شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب ابعاد گوناگون محیط شهری است، می‌توان مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری را مؤلفه‌هایی به موازات مؤلفه‌های سازنده "مکان" تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه "مکان" کانتر^۲ می‌توان گفت کیفیت طراحی شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هر یک از آنها متکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه‌گانه "کالبدی"، "فعالیتی" و "تصوری" محیط شهر است (شکل شماره ۲).



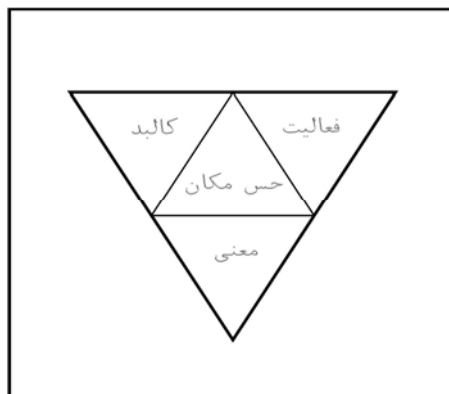
شکل شماره ۳: مدل "حس مکان"
[منبع: جان پانتر-۱۹۹۱]

جذابیت و کارایی مدل "کانتر" باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت‌های متنوعی از مدل مزبور ارائه نمایند. به طور مثال، مدل "حس مکان" "جان پانتر" را که بر بودن مؤلفه‌های دخیل در خلق حس مکان دلالت دارد می‌توان از روایت‌های فرعی مدل "کانتر" دانست.

^۱ Canter, "The Psychology of Place", 1977.

^۲ Punter, "Participation in the Design of Urban Space", 1991.

براساس مدل "جان پانتر" سه مؤلفه "کالبد"، "فعالیت" و "معنی" در خلق حس مکان دخیل هستند که به نحو قابل ملاحظه‌ای با سه مؤلفه پیشنهادی "کانتر" یعنی "کالبد"، "فعالیت‌ها" و "تصورات" تشابه دارند (شکل شماره ۳)



شکل شماره ۳: "حس مکان"
[منبع: جان پانتر--۱۹۹۱]

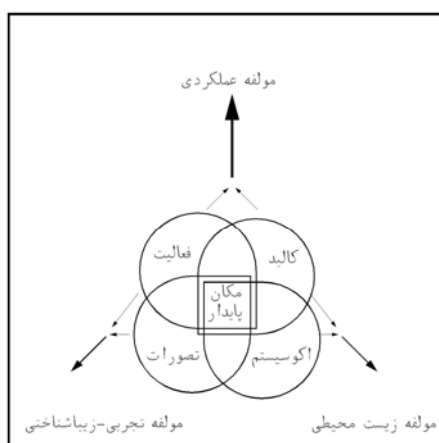
۴-۴- مدل پیشنهادی: مدل "مکان پایدار"

گرچه نظریه "مکان" پیشنهادی "کانتر" بنیان نظری کارآمد و قابل توجهی برای طراحی شهری است، با این وجود، در پرتو پیشرفت‌های دانش طراحی شهری در دهه‌های اخیر لازم است که برخی نارسایی‌های نظریه مزبور، که در دهه ۱۹۷۰ میلادی تدوین گردیده بود، مرتفع شود. مبحث "پایداری مبتنی بر بوم‌شناسی" و توجه به محیط و قرارگاه طبیعی شهرها از جمله مباحثی است که از دهه ۱۹۸۰ طرح گردیده و برخی از مهم‌ترین نظریه‌های طراحی شهری به واسطه عدم لحاظ آن مورد چالش قرار داشته‌اند. به طور مثال، همان‌گونه که قبلاً در همین نوشتار اشاره شد، نظریه طراحی شهری "یان بنتلی" و همکارانش در کتاب "محیط‌های پاسخده" به علت عدم توجه به ملاحظات زیست محیطی، نابسندگی تلقی شده و با توجه به انتقادات وارده در نهایت بنتلی را بر آن داشت که تا در سال ۱۹۹۰ سه معیار مرتبط با مسایل زیست‌محیطی و مبتنی بر بوم‌شناسی (یعنی کارایی از نظر مصرف انرژی، به حداقل رساندن آلودگی هوا و... و حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش) را به هفت معیار قبلی خود اضافه نماید.^۱

^۱ Bentley, "Ecological Urban Design", 1990, P.69-71.

به نظر می‌رسد که مدل "مکان" کانتر نیز می‌تواند با افزودن بعد بوم‌شناسی به آن همچنان به مثابه ابزارهای نظری مناسبی مورد استفاده قرار گیرد. از این رو مطالعه حاضر روایت جدیدی از مدل مکان را تحت عنوان مدل "مکان پایدار" پیشنهاد می‌کند، که علاوه بر سه بعد "کالبد"، "فعالیت" و "تصورات" پیشنهادی "کانتر" بعد جدیدی تحت عنوان "اکوسیستم" نیز به ابعاد گوناگون "مکان" می‌افزاید.

همان‌گونه که در شکل شماره چهار مشاهده می‌شود، مدل چهار بعدی "مکان پایدار" می‌تواند مبنای نظری بازشناسی مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری قرار گیرد. از ترکیب ابعاد چهارگانه محیط، سه مؤلفه "کیفیت عملکردی"، "کیفیت تجربی-زیباشناختی" و "کیفیت زیست‌محیطی" به مثابه نیروهای شکل دهنده کیفیت کلی طراحی شهری یک مکان استنتاج می‌شوند که در بخش زیر مورد بحث و آزمون قرار خواهند گرفت.



شکل شماره ۴: مدل "مکان پایدار"
[منبع: مؤلف]

۵- نتیجه‌گیری

براساس مدل پیشنهادی این مطالعه، یعنی "مدل مکان پایدار"، کیفیت طراحی شهری را می‌توان به عنوان برآیند سه نیرو (مؤلفه)ی کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی و کیفیت زیست‌محیطی شهرها نتیجه‌گیری نمود. به‌طور خلاصه و همان‌گونه که نگارنده در جای دیگر نیز عنوان کرده است.^۱

^۱ گلکار، کورش: کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، ۱۳۷۸

"مؤلفه عملکردی کیفیت طراحی شهری" از یک سو در برگیرنده تأمین حرکت و دسترسی سهل و مناسب پیاده‌ها و سواره‌ها به مراکز جاذب شهری است و از سوی دیگر، برخلاف آموزه‌های مدرنیسم که نقش عملکردی فضاهای شهری را به کانال ساده‌ای برای رفت و آمد تقلیل می‌دهد، دربرگیرنده عملکردهای دیگر همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون، غذا خوردن و گفتگو، روزنامه خواندن، ملاقات با دوستان و ... نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند.

"مؤلفه تجربی-تجربی-زیبا شناختی کیفیت طراحی شهری" به دیافتهای اداراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد و درنهایت، "مؤلفه زیست محیطی کیفیت طراحی شهری" در بعد خرد آن دربرگیرنده مقولاتی همچون تنظیم اقلیم خرد فضاهای شهری (آفتاب، جریان هوا، سایه‌گیری و ...) و در بعد کلان دغدغه پایداری زیست محیطی را داشته و با کیفیت تعادل مبتنی بر بوم‌شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از منابع طبیعی اعم از زمین، آب و ... در رابطه با طرح‌های شهری سرو کار دارد.

برای آزمون جامعیت مدل سه مؤلفه‌ای پیشنهادی این مطالعه، در این قسمت تلاش گردیده است تا به وسیله آن، عناصر مختلفی را که نظریه‌پردازان گوناگون در رابطه با کیفیت طراحی شهری عنوان نموده‌اند (که در بخش‌های قبلی این نوشتار مورد بحث قرار گرفت) طبقه‌بندی کرده و میزان کارایی آن را به لحاظ فراگیری مورد سنجش قرار دهیم. نتیجه آزمون به‌عمل آمده از مدل مزبور در شکل شماره پنج ارائه گردیده است. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که مدل مزبور به طور کلی واجد جامعیت لازم جهت پوشش دادن به وجوده مختلف پدیده‌ای کثیرالضلاع و پیچیده همچون کیفیت طراحی شهری بوده و قادر است طیف وسیعی از عناصر کیفی گوناگون را، که بعضاً برخاسته از پایگاه‌های نظری کاملاً متفاوتی نیز هستند، درخود جای داده و تبیین نمایند. (شکل شماره ۵)

مؤلفه های کیفیت نظریه	مؤلفه عملکردی	مؤلفه تجربی - زیباشناختی	مؤلفه زیست محیطی
جین جیکوبز (۱۹۶۱)، "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا"	اولویت نظم فعالیت ها بر نظم بصری، کاربری مختلط، نفوذپذیری، امکان نظارت و مراقبت، تنوع و غنای فعالیت ها	توجه به عنصر خیابان، امکان اختلاط اجتماعی، غنای فعالیت ها، فضاهای انعطاف پذیر	
کوین لینچ (۱۹۸۳)، "تئوری شکل خوب شهر"	سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی، عدالت	سرزندگی (اجتماعی)، معنی	سرزندگی (بیولوژیک)
ویولیچ (۱۹۸۳)، "قرائت شهری و طراحی مکان های کوچک شهری)		قرائت پذیری محیط، آزادی انتخاب، فرم های شهری متباین، امکان زندگی اجتماعی، به گوش رسیدن آوای گذشته (قرائت میراث فرهنگی)	ترجمه به پیوندهای بومی - منطقه ای
یان بنتلی و دیگران (۱۹۸۵)، "محیط های پاسخده" و یان بنتلی (۱۹۹۰)، "طراحی شهری اکولوژیک"	نفوذپذیری (فیزیکی)، تنوع (فعالیت ها)، انعطاف پذیری	نفوذپذیری (بصری)، تنوع (فرم ها)، خوانایی، انعطاف پذیری، سازگاری بصری، غنا، امکان شخصی سازی	کارایی از نظر مصرف انرژی، به حداقل رساندن آلودگی ها، پشتیبانی از اکوسیستم ها

شکل شماره ۵: آزمون مدل پیشنهادی مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری [منبع: مؤلف]

مؤلفه های کیفیت نظریه	مؤلفه عملکردی	مؤلفه تجربی - زیباشناختی	مؤلفه زیست محیطی
راجر ترانسیک (۱۹۸۶)، "یافتن فضای گمشده"	حفظ تسلسل حرکت (ارتباطات)	محسوریت فضاها، پیوستگی لبه ها، کنترل محوره های دید و پرسپکتیوها، امتزاج فضای درون و بیرون	
کلمن (۱۹۸۷)، "فرصت هایی برای نوآوری در آموزش طراحی شهری"	طراحی برای پیاده ها، تنوع استفاده و کاربری ها	حفاظت تاریخی و مرمت شهری، سرزندگی و تنوع استفاده ها، محیط های فرهنگی، ارزش های معمارانه	توجه به بستر طبیعی محیط
آلن جیکوبز و داندل اپلپارد (۱۹۸۷)، "به سوی یک مانیفست طراحی شهری"	دسترسی به فرصت ها، خوداتکمایی شهری، محیطی برای همه	سرزندگی، هویت و کنترل، اصالت و معنی، زندگی جمعی	
پرنس چارلز (۱۹۸۹)، "چشم اندازی از بریتانیا"		مکان، سلسله مراتب، مقیاس، هارمونی، محسوریت، مواد و مصالح، تزئینات، هنر، نشانه ها، علایم و چراغ ها، جامعه محلی	

شکل شماره ۵: آزمون مدل پیشنهادی مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری [منبع: مؤلف]

مؤلفه های کیفیت نظریه	مؤلفه عملکردی	مؤلفه تجربی - زیباشناختی	مؤلفه زیست محیطی
مایکل سلوت ورت (۱۹۸۹)، "تئوری و عمل طراحی شهری معاصر"		ساختار، خوانایی، فرم، حس مکان، هویت، دید و منظر، مقیاس انسانی (پیاده)	
فرانسیس تیبالدز (۱۹۸۸a)، "برنامه ریزی و طراحی شهری، دستور کار جدید، (a ۱۹۹۰)، طراحی شهری، عرصه عمومی در برابر عرصه خصوصی، ساخت شهرهای مناسب مردم	کاربری مختلط، توجه به نیاز همه روه ها، انعطاف پذیری، رشد و تغییرات تدریجی، توجه به پیاده ها	توجه به مکان ها پیش از ساختمان ها، فراگرفتن از گذشته و احترام به بافت موجود، مقیاس انسانی، خوانایی	آسایش اقلیمی پیاده ها
گرین (۱۹۹۲)، "شکل شهر"	"عملکرد" شامل: دسترسی و ارتباط، تنوع کاربری ها، امنیت	"نظم" شامل: انجام، وضوح، پیوستگی، "هویت" شامل: کانون، وحدت، شخصیت، "جذابیت" شامل: مقیاس، تناسب بصری، عملکردی، سرزندگی، هارمونی	آسایش اقلیمی

شکل شماره ۵: آزمون مدل پیشنهادی مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری [منبع: مؤلف]

مؤلفه های کیفیت نظریه	مؤلفه عملکردی	مؤلفه تجربی-زیباشناختی	مؤلفه زیست محیطی
برایان گودی (۱۹۹۳)، "دو آقا در ورونا: کیفیت های طراحی شهری"	نفوذپذیری، انعطاف پذیری، رشد و تحول سنجیده و کنترل شده	سرزندگی، هماهنگی با بستر موجود، تنوع، مقیاس انسانی، امکان شخصی سازی، خوانایی، غنا	
کمیته مشورتی برنامه ریزی لندن (۱۹۹۳)، "کیفیت محیط شهری لندن"	پاکیزگی و ایمنی، مدیریت شهری، کاربری و فعالیت های مختلط، راحتی حرکت پیاده و تحرک عمومی	مقیاس انسانی و فشردگی بافت، ساختار، خوانایی و هویت، غنای بصری، فضاهای همگانی و فضاهای خاص	آسایش اقلیمی پیاده ها
نیروی ویژه طراحی شهری نخست وزیر (۱۹۹۴)، "طراحی شهری در استرالیا"	توزیع گسترده منافع میان جامعه، پاسخگویی به ویژگی ها و نیازهای محلی، انعطاف طرح ها برای پذیرش و انطباق با تغییرات مداوم	کیفیت اعلا (کمال)، در طراحی شهری و معماری، ارتباط طرح ها با جهان معاصر، تحکیم پیوند با گذشته	توجه و استفاده از بستر طبیعی محیط
هاتن و هانتز (۱۹۹۴)، "شهرهای پایدار"	دمکراسی، نفوذپذیری، امنیت، اقتصاد و لیزار آن، مشورت و مشارکت استفاده کنندگان، انعطاف پذیری	تنوع، تمرکز، مقیاس مناسب روابط خلاقانه	طراحی از ارانیک

شکل شماره ۵: آزمون مدل پیشنهادی مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری [منبع: مؤلف]

مؤلفه های کیفیت نظریه	مؤلفه عملکردی	مؤلفه تجربی-زیباشناختی	مؤلفه زیست محیطی
نلسن (۱۹۹۴)، "چشم اندازهایی برای رویای آمریکایی نوین"	پیاده گرایی، فضاهای باز، کاربری مختلط، نگهداری و تعمیر دائمی	مقیاس انسانی، هسته (تمرکز)، منظر خیابان، تنوع، استفاده از واژگان طراحانه	مسئولیت پذیری اکولوژیک
سمینار ملی "طراحی شهری در استرالیا" (۱۹۹۶)	کارایی و عدالت عملکردی، یکپارچگی و همکاری، دسترسی	توجه به بافت و کاراکتر محل، قابلیت روئیت	توسعه پایدار با توجه به محیط های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کارایی و عدالت محیطی
پانترو و کرمونا (۱۹۹۷)، "بعد طراحانه برنامه ریزی"	کاربری زمین قطعات مجاور، جریان حرکت پیاده ها، الگوهای رفتاری، جریان حرکت سواره ها، نفوذپذیری	ادراک همگانی، ارزیابی های کیفی، عملکردها و جاذبه های ادراک شده، تداعی معانی فرهنگی، خوانایی، منظر عینی شهر، فرم مصنوع، منظر کف	سر و صدا، بو، اقلیم خرد، منظر طبیعی
نیروی ویژه مسایل شهری (به سرپرستی ریچارد راجرز) (۱۹۹۹) "به سوی یک رنسانس شهری"	عرصه همانی و رعایت سلسله مراتب آن دسترسی و نفوذپذیری، بهینه سازی کاربری زمین و تراکم، اختلاط شکل های مختلف مالکیت و گونه های ساختمانی	توجه به سایت و قرارگاه، زمینه، مقیاس و شخصیت	ساختمان های پایدار، مسئولیت پذیری زیست محیطی
دپارتمان محیط، حمل و نقل و مناطق (بریتانیا) (۲۰۰۰) توسط طراحی	کیفیت عرصه همگانی (امن و مناسب برای همه)، سهولت حرکت، انطباق پذیری، تنوع و امکان انتخاب، تراکم و اختلاط کاربری ها	شخصیت و هویت، تداوم و محصوریت، خوانایی، استخوانبندی فضایی شهری، دانه بندی شهری (الگوی چیدمان خیابان ها، بلوک ها، قطعات و ساختمان ها)، منظر طبیعی زمین، مقیاس: ارتفاع، مقیاس: توده، نما: جزئیات، نما: مصالح	منظر طبیعی زمین: اکولوژی و عوارض طبیعی

۶- جمع‌بندی

این مطالعه با بازشناسی تعریف "کیفیت" و حالت وجودی کیفیت طراحی شهری آغاز گردید و پس از مرور ادبیات مرتبط با موضوع و بررسی چارچوب‌های نظری گوناگون، "مدل مکان پایدار" را به‌عنوان بنیان نظری تدوین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری پیشنهاد نمود. آنگاه مؤلفه‌های سه‌گانه سازنده کیفیت طراحی شهری مورد بازشناسی قرار گرفت و نهایتاً از طریق آزمون، میزان جامعیت نظری آن مورد سنجش واقع شد. درخاتمه برخی از عناصر و زیرمجموعه‌های مؤلفه‌های سه‌گانه کیفیت طراحی شهری را می‌توان به‌ترتیبی که در شکل شماره شش نشان داده شده است پیشنهاد و معرفی نمود.

<ul style="list-style-type: none"> • کیفیت قرارگاه‌های رفتاری (سازگاری فعالیت، زمان، فضا) • کیفیت سازگاری فرم شهری با کاربری‌ها، شبکه پیاده، سواره، شبکه اطلاع‌رسانی و ... • کیفیت ایمنی محیط برای فعالیت‌ها • کیفیت امنیت محیط برای فعالیت‌ها 	<p>مؤلفه عملکردی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • کیفیت "محیط کالبدی - فضایی" (محیط عینی) شامل استخوان بندی فضایی، سازمان کالبدی، جایگشت، توده - فضا، نقشه نولی، مواد و مصالح و ... • کیفیت "محیط ادراکی حسی" (محیط ادراکی) شامل کیفیت منظر عینی، تحلیل ساختار نمای شهری و ... • کیفیت "محیط ادراکی ذهنی" (محیط شناختی) شامل کیفیت منظر ذهنی (فضایی و زمانی) منظر ذهنی ارزیابانه، معانی انضمامی، سرزندگی و ... 	<p>مؤلفه تجربی - زیباشناختی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • کیفیت اقلیم خرد فضاها (آسایش اقلیمی) شامل: آفتاب‌گیری، سایه‌اندازی، باد، رطوبت و ... • کیفیت اصوات، بو و رایحه محیط • کیفیت طراحی شهری پایدار • بازدهی مصرف منابع طبیعی (انرژی، زمین و ...) • تعادل اکوسیستم‌ها • تقلیل آلودگی‌ها (هوا، زمین، آب) 	<p>مؤلفه زیست‌محیطی</p>

مراجع و مأخذ:

- ۱- باطنی، محمدرضا و دیگران: "واژه‌نامه روانشناسی"، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۶.
 - ۲- عمید، حسن: "فرهنگ فارسی عمید"، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
 - ۳- کالن، گوردن: "گزیده منظر شهری"، ترجمه منوچهر طبیبیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
 - ۴- گلکار، کورش: "مفهوم کیفیت طراحی شهری"، سخنرانی در دوره آموزشی طراحی شهری مدیران شهرسازی سازمان‌های مسکن و شهرسازی کشور، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۷ و ۱۸ آذرماه ۱۳۷۷.
 - ۵- گلکار، کورش: "تئوری‌های طراحی شهری: تحلیل گونه‌شناختی تئوری‌ها"، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، نشریه علمی- پژوهشی "صفه"، شماره ۲۹، ۱۳۷۸.
 - ۶- گلکار، کورش: کندوکاوی در تعریف طراحی شهری"، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۷۸.
 - ۷- لینچ، کوین: "سیمای شهر"، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (ملی)، ۱۳۵۵.
 - ۸- لینچ، کوین: "تئوری شکل خوب شهر"، ترجمه حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
 - ۹- "میزکرد طراحی در شهرهای جدید" نشریه آبادی، شماره ۲۹، ۳۰ و ۳۱، ۱۳۷۸، ص ۳۱-۴۰.
- 10- Alexander, C., "The Timeless way of Building", New York: Oxford University Press, 1970.
 - 11- Appleyard, D., "Planning the Pluralistic City", Cambridge, Mass: MIT Press, 1979.
 - 12- Bentley, I., "Ecological Urban Design", Architects Journal, 192(24): 69-71, 1990.
 - 13- Bentley, I. et al., "Responsive Environments: A Manual for Designers", London: The Architectural, 1985.
 - 14- Billings, K., "Quality in Design", Department of Architecture", The University of Sydney, 1993.
 - 15- Canter, D., "The Psychology of Place", London: Architectural Press, 1977.
 - 16- Coleman, J., "Opportunities for Innovation in Urban Design Education", Australian Planners 25 (4): 28-31, 1987.
 - 17- Cooper Marcus, C. & W. Sarkissian, "Housing as if People Mattered", Berkeley: University of California Press, 1986.
 - 18- Cullen, G., "Townscape", London: Architecture Press, 1961.
 - 19- DETR, "By Design – Urban Design in the Planning System: Towards Better Practice", London: Department Of the Environment, Transport and the Regions, 2000.

- 20- DoE, "Quality in Town and Country" London: Department of the Environment, 1994.
- 21- DoE, "London's Urban Environment- Planning for Quality", London: HMSO, 1996.
- 22- Eisenman P., Introduction to "Architecture of the City", Cambridge, Mass: MIT Press, 1982.
- 23- Golkar, k., "Environment Images: A Place-based Approach to Urban Design", Unpublished Ph.D. Thesis, Department of Architecture The University of Sydney, 1997.
- 24- Goodey, B., "Two Gentlemen in Verona: The Qualities of Urban Design", *Streetwise*, 1993, 4(2):3-5
- 25- Greene, S., "Cityshape", *JAPA*, 1992, 58(2): 177-189.
- 26- Haughton G. & C. Hunter, "Sustainable Cities", London: Jessica Kingsley, 1994.
- 27- Jacobs, A & D. Appleyard, "Toward an Urban Design Manifesto" *JAPA*, 1987, 53(1): 112-120.
- 28- Jacobs, J., "The Death and Life of Great American Cities", London: Jonathan Cape, 1961.
- 29- Lang, J., "Urban Design – The American Experience", New York: Van Nostrand Reinhold, 1961.
- 30- Longman, "Lexicon of Contemporary English" Harlow: Longman, 1981.
- 31- LPAC (London Planning Advisory Committee), "London's Urban Environmental Quality", Tibbalds Colbourne Karski Williams Monro, Romford, 1993.
- 32- Lynch, K., "The Image of the City", Cambridge, Mass: MIT Press, 1993.
- 33- Lynch, K., "A Theory of Good City Form", Cambridge, Mass: MIT Press, 1981.
- 34- Mitias, M. H., "Locus of Aesthetic Quality", in M. H. Mitias (ed), *Aesthetic Quality and Aesthetics Experience*, Amsterdam: Rodopi BV, 1988.
- 35- Nasar, J., "Urban Design Aesthetics – The Evaluative Qualities of Building Exteriors", *Environment and Behavior*, 26(3): 377-401, 1994.
- 36- Nelessen, A. C., "Visions for a New American Dream", Chicago: APA Planner Press, 1994.
- 37- Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English, 4th Edition Oxford: Oxford University Press, 1994.
- 38- PMUDTF (The Prime Minister's Urban Design Task force), "Urban Design in Australia", Canberra, AGPS, 1994.
- 39- Punter, J. V., "Participation in the Design of Urban Space", *Landscape Design*, 1991, No. 200, p. 24-27.
- 40- Punter J. V. & M. Carmona, "The Design Dimension of Planning: Theory, Content and Best Practice for Design Policies", London: E & FN Spon, 1997.
- 41- Rossi, A., "Architecture of the City, Cambridge", Mass: MIT Press, 1982.
- 42- Shirvani, H., "Urban Design Review", Washington: Planners Press, 1981.
- 43- Southworth, M., "Theory and Practice of Contemporary Urban Design", *Town Planning Review*, 1989, 6(4): 369-402.
- 44- The Prince of Wales, "A Vision of Britain", London: Doubleday, 1989.
- 45- Tibbalds, F., "Planning and Urban Design: A New Agenda", *The Planner*, 1989, 74(4):4.

- 46- Tibbalds, F., "Planning and Urban Design: Tibbalds offers the Prince his ten Commandments", *The Planner*, 1988b, 74(12):1.
- 47- Tibbalds, F., "Urban Design: Public V. Private Realm", *The Architect's Journal*, 1990b, 192(19): 59-61
- 48- Tibbalds, F., "Making People-friendly Towns: Improving the Public Environment in Town and Cities", Harlow: Longman, 1990b.
- 49- Trancik, R., "Finding Lost Space: Theory of Urban Design", New York: Van Nostrand Reinhold, 1986.
- 50- University of Sydney, "Urban Design in New South Wales: Towards Better Practice Policy and Leadership", Sydney, 1996.
- 51- Urban Futures, "The Challenge of Urban Design: A Review of the National Seminar Series", *Urban Futures Journal*, No. 21, 1996, P.58-60.
- 52- Urban Task Force, "Towards an Urban Renaissance", London: Department Of the Environment, Transport and the Regions (DER), 1999.
- 53- Violich, F., "Urban Reading and the Design of Small Urban Places: The Village of Sutivan", *Town Planning Review*, Vol. 54, 1983, OP.41-62.
- 54- Walmsley, D.H., "Urban Living: The Individual in the City", Harlow: Longman, 1988.
- 55- Whyte, W. H., "The Social Life of Small Urban Spaces", Washington: Conservation Foundation, 1980.
- 56- Zehner, R.B., "Indicators of the Quality of Life in New Communities", Cambridge, Mass: Balkkinger Publishing Company, 1977.